

چشم انداز
CHASHM ANDAAZ



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

شماره‌ی ۲۵ می ۱۹۹۳ اردیبهشت ۱۳۷۲ ایار ۵۷۵۳







Eretz-Israel (the Land of Israel) was the birthplace of the Jewish people. Here their spiritual, religious and political identity was shaped. Here they first attained to statehood, created cultural values of national and universal significance and gave to the world the eternal Book of Books.

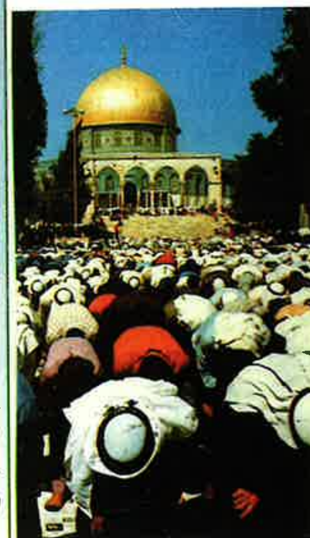
...Jews strove in every successive generation to re-establish themselves in their ancient homeland. ...they made deserts bloom, revived the Hebrew language, built villages and towns, and created a thriving community, controlling its own economy and culture, loving peace but **knowing how to defend** *itself...*

The State of Israel...will foster the development of the country for the benefit of all its inhabitants; it will be based on freedom, justice and peace as envisaged by the prophets of Israel; it will ensure complete equality of social and political rights to all its inhabitants irrespective of religion, race or sex; it will guarantee freedom of religion, conscience, language, education and culture; it will safeguard the Holy Places of all religions; and it will be faithful to the principles of the Charter of the United Nations.

We extend our hand to all neighboring states and their peoples in an offer of peace and good neighborliness, and appeal to them to establish bonds of cooperation and mutual help with the sovereign Jewish people settled in its own land.

from the Declaration of the Establishment of the State of Israel

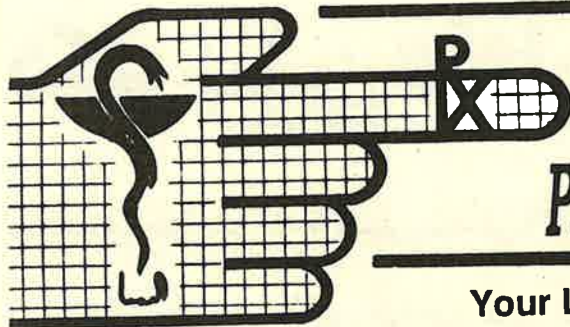




The flag of the State of Israel is based on the design of the Jewish prayer shawl (tallit), *with a blue Shield of David* (Magen David).

به بهانه تولد سرزمین شکفتنها و رستنهای ابدی

داروخانه و دراک استور وست ساید ویلیج



WESTSIDE VILLAGE PHARMACY

1360 Westwood Blvd. #106
Los Angeles, CA 90024

Phone (310) 474-4222

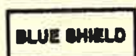
Your Life Time Pharmacy

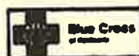
با مدیریت و مسئولیت دکتر همایون خورسندی مشاور شما در امور داروئی

علاوه بر خدمات و سرویس های معمولی داروخانه ها تخصص ما در زمینه های گوناگون درمانی جوابگوی کلیه مشکلات دارویی و بیمه درمانی شما خواهد بود

۱ - ساخت پروژسترون و استروژن طبیعی به صورت شیاف واژینال، کپسول خوراکی و اپلیکاتور
۲ - تهیه نسخه های ترکیبی سلامتی و زیبایی، طبق دستور پزشک معالج شما
۳ - کلیه مایحتاج حفظ سلامتی در منزل، بی اختیاری ادرار، لوازم استومی و طب گیاهی و سنتی

قبول مدیکال، بلو شیلد، بلوکراس











در صورت نداشتن بیمه های معمولی در اکثر موارد با بیمه شما مستقیماً تماس خواهیم گرفت
"Direct Billing"

بیمه حوادث کار Worker's Compensation

سنجش میزان شنوائی تحت نظر متخصص وتهیه انواع سمعک

سنجش رایکان فشار خون

برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

(310) 474-4222

1360 Westwood Blvd., #106
West Los Angeles, CA 90024

در شاپینگ سنتر وست ساید ویلیج
۱۳۶۰ وست وود بلوار روبروی شرکت کتاب



FREE PARKING **پارکینگ مجانی**




پایمردی بسیاری میکرد که همه یکی شوند ، خدایش بیامرزد شادروان موسی‌کرمانیان بود که دستش از جهان کوتاه است .
اوایل‌می نوشتند کسی از میان جمعیت خطابشان کرد که کاری بکنید دراین شماره می نویسند مردم از ایشان خواستند ، مردم یعنی جماعتی کثیر که صد البته یکنفر نیست .
بهرحال می نویسند : **مرکز رهبری ؟! که به مسائل‌حاد اجتماعی که درآن زمان بصورت کلافی سردرگم درآمده بود را** خواستند به وجود آورند . **به خواست و اراده واقعی مردم برای تحقق ماموریت عظیمی که به من محول شده بود .** با همکاری **دوستان و همکاران انجمن کلیمیان و صندوق ملی .**
آقای دکتر از سال ۱۹۷۹ عده ای از جان و مال گذشته برای سیل جمعیتی که به لس آنجلس میامدند صادقانه فعالیت میکردند و بسیاری از همپالگی های شما جزو آنان نبودند :
برخی از افرادی که فدراسیون را راه انداختند باکپی کردن از کار همان آدمها خواستند سازمانی آقابالاسر درست کنند با دوستان و همکاران قدیمی خودشان و کسانی که مردم و اموال مردم را درایران جاگذاشتند و فرار کردند و به قول شما به شهر فرشتگان آمدند ، شهری که (طبق این مقاله) ۱۰ سال پیش نوشته‌اید که غصه‌تان آنست که مردمش در خیابانها بریزند و ثروتمندان را غارت کنند .
ماموریت عظیم شان نیز کارش به اینجا رسید که بعد از **ده سال تازه می خواهند جائی بروند .**
بقول مقاله‌ای از یهودیان تئولوژیک نیویورک ، بندر دانزیک ، بندری بود در لهستان در کنار دریای بالتیک با یک جامعه مرفه و پیشرفته ۲۰۰۰۰ نفری یهودی . زمانی که پیشرفت نازیها و خطر نابودی یهودیان به گوش رهبران جامعه رسید ، کنیساها و دارائیهای جامعه را به یک موسسه خیریه بین المللی یهودی فروختند و اکثریت را فرار دادند .
بسیاری از دوستان شما و همپالگی هایتان ازمن خوششان نمی آید . چرا؟ چون حرف دل مردم را می زنم .
زمانی که ریاستهای سازمانهای یهودی ایران افتخاری بود و در ضمن باعث باز شدن بسیاری از قفلهای اقتصادی و اجتماعی شخصی ، رهبری‌کردن چیز خوبی بود . هوا که پس شد مردم را به امان خدا ول کردن و خود را از مهلکه رهانیدن مد روز آن رهبران شد . من به آنان حق میدهم که درآن زمان مردم را دریک کفه بگذارند و زن و فرزند و تجارت خود را درکفه دیگر . میتوانم درک کنم که کفه دوم را مثل بسیاری از انسانهای دیگر انتخاب کنند ولی خودم را نمی بخشم اگر بار دیگر سکان رهبری این جامعه را در دست آنان و امثال آنان بتنهائی ببینم ، وای برما ، اگر طبق پیش بینی شما در همین مقاله آشوبهای بعدی و احتمالی آینده دامنگیر جامعه ما بشود . آیا سپر بلای جامعه آنان خواهند بود ؟
فکر می کنید مردم گول این انشاء پراز کلمات زیبانمای قطار شده را می خورند.
و حالا، دیگر افکار برتری طلبی شان را دارند جهان گیر میکنند . **شورای جوامع یهودی ایرانی** ترتیب داده‌اند که بقول شما **«این شورادرحقیقت صدای واحد تمامی جامعه یهودیان ایرانی خارج ازکشوراست»** و شما رئیس بین المللی آن !! بقولی **خودگویی و خود خندی به به چه هنرمندی**
کجا بیشتر از ۲۰۰/۰۰۰ یهودی ایرانی زاده اسرائیل به آنان این حق را داده‌اند ، آیا فقط رای آقای عزری کافی است .
جوامع یهودی انگلستان - فرانسه - کانادا - نیویورک و دیگر شهرها مثل انتخابات مشعشع فدراسیون لس آنجلس **انتخابات دموکراتیک و همه پرسی بسیار وسیع !!!؟؟**کرده و بشما گفته‌اند صدای واحد یهودیان ایرانی در سراسر جهان باشید ؟ یا چند تا رفیق قدیمی مثل‌معتمدین جامعه این شهر که فقط کار دوستان را راه میاندازند .
جوانان هیچ وقت مطرح نیستند مگر آنکه رهبری بی چون و چرای رهبران تهران قدیم را بپذیرند ، سئوال نکنند و هیچ وقت نپرسند . از روز اولی که دراین شهر بودیم همیشه گفتند که جوانان ، جوانان ، جوانان - این جوانان الان ۱۵ سال پیرتر شده‌اند و هنوز سردرنیاورده‌اند که این چسبی که حضرات را به صندلیشان چسبانده کی‌کنده می شود با آنکه بسیاری از این جوانان وکلا - دکترها - مهندسین برنامه ریز با ارزش این جامعه شده‌اند .
با آنکه میگویند **بزرگی به عقل است ونه به سال**
دلم به حال آدمهای ساده لوح دوروبرتان می سوزد که گول این افکار و رویاهای خیالی مردی مسن و خوش باوری چون شمارا می‌خورند . آقای دکتر عزیز این جامعه فعلی با جامعه قبل از انقلاب ایران ، زمین تا آسمان فرق دارد . درآن کشور کسانی که ۹ ماهه از دانشگاه تهران دکتراگرفته بودند (و تمام دوره دکترای آنان را

بازوهای امنیتی کشور . ما امروز در مقابل خانواده های شهدا سر تعظیم فرود آورده و به آنان قول میدهیم که آینده کشور راکه هرساله روشن تر و روشن تر گردیده آنچنان که شایسته انتظار جان باختگان ملی بوده پرثمرتر وموفق تر بسازیم .

آقای حییم هرتصوک رئیس جمهور محترم اسرائیل طی سخنانی که در زمان روشن کردن شمعهای یاد بود ایراد نمود ابراز داشت . هرسال که میگذرد نامهای بیشتری بر لوحه یادبود شهدا نوشته میشوند و قبرهای تازه‌ئی برپا میگردند قلب ما مملو از اندوه در مورد عزیزان شهید میهن میباشد چراکه بهترین هایمان را دراین راه از دست داده‌ایم آقای رفائل نخمانی پدر خییم نخمانی (زنده یاد) که چند ماه قبل بدست یک جاسوس دو جانبه عرب در ناحیه (رخویا)اورشلیم به قتل رسید مراسم (قدیش) را بجای آورد . راو اعظم ارتش (ژنرال گاد تاون) براخای شمع های یادبود را خواند و (خزان ارتش) ، سرهنگ (اریه براون) قطعه (آنکه مملو از رحم میباشد) (ال ملو رحمیم) را قرائت نمود .

شمع یادبود که توسط رئیس جمهور روشن گردید توسط (ینینا کهن) بیوه یک شهید به دست وی داده شد . و باین وسیله کشور مراتب قدردانی خود از شهدای کشور راکه تاکنون تعداد آنان از زمان جنگهای استقلال به ۱۷۷۰۹ رسیده ابراز نمود .

بنا به گزارش اداره خدمات به بازماندگان شهداکه شامل - بیوه‌ها، یتیمان و بی سرپرستان میباشد تعداد آنان ۲۴۶۸۲ نفر و تعداد معلولین جنگی ۶۱۶۴۹ نفر و جمعاً تعداد افرادی که تحت نظر و مساعدت این اداره میباشند ۸۶۳۳۱ نفر میباشد که یکی از بزرگترین هزینه های کشور را تشکیل میدهند .

درساعت ۴۵ : ۷ همین روز روز یادبود شهدا بپایان رسید و اولین دقایق روز استقلال با بیانیه‌ای که توسط رئیس پارلمان اسرائیل صادر گردید رسماً شروع گردید .

روز دوشنبه ۲۶ آپریل بمناسبت سالگرد استقلال تمام‌کشور به جشن و شادی پرداختند . در پارکهای عمومی شهرها گروههای موزیک و هنری به شکوه این روز افزودند . موزه های مختلف برای بازدید عموم باز نگاه داشته شدند . ورادیوها و تلویزیونهای کشور با پخش برنامه های متنوع و گوناگون سعی نمودند تا غم روز یادبود شهدا را به شادی تبدیل نمایند . ارتش دفاعی اسرائیل با انجام مانورهای نمایشی تعداد زیادی از شهروندان کشور را به سواحل تل آویو کشاندند . چتربازان نیروی هوائی با انجام عملیات سقوط آزاد که در آسمان شکل ستاره داود را ساختند و هم چنین تکاوران نیروی دریائی با انجام عملیات شگفت آور مردمی راکه چندان هم از اینگونه عملیات نا آگاه نیستند را به حیرت آوردند .

کارتهای تبریک روسای جمهور و پادشاهان کشورهای جهان که از دو سال قبل تعداد آنان به دو برابر رسیده هم چنان بسوی دفتر رئیس جمهوری اسرائیل سرازیر گردید .

مراسم باریابی سفرا و نمایندگان کشورهای مختلف در مقر رئیس جمهوری بمنظور عرض تبریک سالروز استقلال کشور با شکوه بسیار انجام گردید . در نمایندگیهای اسرائیل درتمام کشورهائی که با اورشلیم رابطه سیاسی مستقیم دارند مراسم بزرگداشت این روز مقدس بنحوشایسته‌ای برگزار گردید و نمایندگان محلی آن کشورها با حضور خود دراین مراسم موجودیت و تمامیت ملی اسرائیل را مورد تائید قرار دادند .

نمایندگان سازمان سیامک در ساعت ۳۰ : ۵ روز دوشنبه بدعوت سرکنسول اسرائیل آقای (اوری اورن) به محل (کنیسای سفارادیک جوئیش تمپل) بمنظور شرکت در مراسم باشکوه سالگرد استقلال اسرائیل نوین آمدند و همراه با دیگر نمایندگان سازمانهای یهودی و غیر یهودی مراسم شکوهمند روز استقلال را بجای آوردند . درمیان شخصیتهای برجسته‌ای که به این جشن آمده بودند میتوان از نمایندگان شهرداریهای لوس آنجلس ، آرنج کانتی ، سانتامونیکا ، سن دیگو ، آریزونا ، هاوائی ، سانفرانسیسکو و تعداد زیادی از کاندیداهای احزاب دموکرات وجمهوریخواه ، نام برد . که توسط آنان لوحه های یادبودی به خانم و آقای اورن تقدیم گردید . نمایندگان مزبور طی سخنان کوتاهی که ایراد نمودند از نقش مهم کشور و مردم اسرائیل در روند جهانی و رابطه موثر آن با کشور امریکا یاد نمودند و موجودیت این کشور و تمامیت ارضی آن را مورد تائید قرار دادند .

سپس آقای (اوری اورن) سرکنسول اسرائیل بعد از خوش‌آمد به مهمانان ابراز نمود که کشور وی از حضور شما دراین محل که نشان از دوستی فیمابین میباشد تشکر مینماید . وی اضافه نمود جشن چهل و پنجمین سالگرد استقلال اسرائیل جشنی ویژه کشور ما نبوده بلکه شامل همه کشورهای آزادی است که با رای خود در نوامبر ۱۹۴۷ باعث تاسیس مجدد این کشور گردیدند . کشوری که بر روی خرابه

بقیه در صفحه 62

۱۰ ـ یهودی شدن

مقصود ما بحثی کوتاه ومفید در بارهٔ مسئله تبلیغ بمنظور یهودی کردن غیر یهودیانست. این سئوال چندین بار توسط دوستان در لس آنجلس ونیویورک، چه در مجامع عمومی وچه در مجالس خصوصی، مطرح شده است. اگر بخاطر داشته باشم در ظرف ده دوازده سال اخیر تعدادی از مسلمانان ایران کتباً به رادیو اسرائیل بزبان فارسی مراجعه کرده تمایل خود را به یهودی شدن ابراز داشته اند. در اکتبر ۱۹۹۱ برای ایراد یک سخنرانی در باره ادبیات یهود ایران به کنفرانسی که در شهر بامبرگ واقع در آلمان برگزار شده بود دعوت شدم. از جمله شرکت کنندگان این کنفرانس، یک دانشمند مسلمان ایرانی از دانشگاه تهران اصرار میورزید که او وخانواده اش از صمیم قلب مایلند به یهودیت درآیند ودر کشور دمکرات وپیشرفته اسرائیل زندگی کنند. گفت وشنود میان ما خود مطلبیست جالب که ممکن است، با پوشش هویت وی، در یکی از یادداشتهای آینده باطلاع شما برسد.

این عقیده، که تبلیغ برای یهودی کردن غیر یهودیان در دین یهود ممنوع است، مستلزم یک مطالعه دقیق است. قدمت مسئله زندگی یا همزیستی غیر یهودیان با یهودیان به دوره خروج یهودیان از مصر بسرزمین کنعان میرسد. بعبارت دیگر سه هزار وپانصد سالست که ملت یهود با این مسئله دست بگریبان است. شاید این موضوع برای همگان روشن نباشدکه تمام کسانیکه زیر پرچم حضرت موسی از مصر به سرزمین کنعان آورده شدند بنی اسرائیل نبودند. بعبارت دیگر، تعدادی مصری نیز همراه با بنی اسرائیل از مصر خروج کرده به صحرای سینا واز آنجا به سرزمین کنعان آمدند. در این مورد جای هیچگونه شک وتردید وچون وچرا نیست زیرا آیات ۳۷ تا ۵۱ از فصل دوازدهم سفر خروج بوضوح این مطلب را روشن میسازند. اگر احیاناً کسی را شکی در دل پدید آید آیه دهم از فصل ۲۴ ام سفر لاویان این شک را برطرف مینماید. با سرازیر شدن بنی اسرائیل بخاک کنعان تعداد بیگانگان در میان بنی اسرائیل آنقدر افزایش یافت که سران کشور را بفکر انداخت این مسئله را بنوعی، اغلب از طریق وضع قوانین، حل کنند.

در ارتباط با این موضوع باید تأکید کرد که ۲۴ اسفار مقدس یهود سرشار است با واژه عبری גֵּר که آن همانند است با واژه عربی **غیر** (غریب)، ولی مشتق است از ریشه عبری גור بمعنی سکونت کردن. در سفر خروج باب ۲۳ آیه ۹ آمده است: **וְגֵר לֹא תִלְחָץ וְאַתֶּם יְדַעְתֶּם אֶת נֶפֶשׁ הַגֵּר כִּי גֵרִים הֱיִיתֶם בְּאֶרֶץ מִצְרָיִם** (وبر [شخص] غریب فشار میآور [ظلم مکن] زیرا که از نفس [دل] غریبان خبر دارید چونکه در سرزمین مصر غریب بودید.) در این مورد، در سفر لاویان باب ۲۴ آیه ۲۲ یکی از اصول حفظ حقوق بشر پایه گذاری شده است: **מִשְׁפַּט אֶחָד יִהְיֶה לָכֶם כַּגֵּר כָּאֶזְרָח יִהְיֶה כִּי אֲנִי יְהוָה אֱלֹהֵיכֶם** (شما را یک حکم (قانون) خواهد بود خواه غریب خواه متوطن (شهروند) زیرا من یهوه خدای شما هستم.) بعبارت دیگر، همه جا صحبت برسر «غیر» یهودیانی بود که در جمع یهودیان ساکن بودند؛ سران کشور وجامعه میبایست شرایط چگونگی رفتار خود را با آنها تعیین نمایند. جالب اینست که در دورهٔ تورات ازدواج بنی اسرائیل با «اغیار»، بجز با افراد دو ملت عمونی وموآبی، قانونی شناخته شد. در مورد ادومی ها ومصریان دستور داده شد که ازدواج واختلاط با نسل سوم آنان مجاز است (رک به سفر تثنیه فصل بیست سوم آیات ۴ ـ ۹). شخص حضرت موسی با دو زن خارج از ملت بنی اسرائیل ازدواج نمود. حضرات داود وسلیمان وسایر شاهان وسران کشور یهودا واسرائیل از اینگونه تماسها وهم پیمانی ها وازدواجها با «اغیار» مستثنی نبودند.

دو هزار وپانصد سال پیش، در دوره گالوت بابل، بعلت خطر کاهش یافتن ملت یهود، مبارزه شدیدی توسط عزرا ونحمیا علیه ازدواجهای مختلط آغاز گردید. در دوره حکومت حشمونائی ها، در حدود دو هزار سال پیش، مبارزه صورت خشونت باری بخود گرفت وکار بجائی کشید که دو سه تن از شاهان این سلسلهِ کوتاه مدت غیر یهودیان را در سرزمینهای اشغالی بزور وبعنف بآئین یهود میکشاندند. این شاهان حتی دستور تورات مذکور در بالا را در مورد عمونی ها وموآبی ها نادیده گرفته وآنها را نیز، عده ای باطاعت وعده ای بکراهت، یهودی مینمودند.

یهودیان در دوره امپراطوریهای یونان وروم، وخصوصاً در دوره حکومت آنان در ایالات شرقی این امپراطوریها، همه جا بیک تبلیغ گسترده، با موفقیت بی سابقه وچشمگیر در یهودی نمودن خانواده ها، اقوام وملل، دست زدند. طبق آمار محققین، در حدود ده در صد از جمعیت سراسر امپراطوری وسیع روم یهودی بودند، ودرصد قابل توجهی از آنان حاصل همین تبلیغات مذهبی بود. مورخ معروف، یوسفوس، از یهودی شدن تعداد زیادی یونانی در دو هزار سال پیش اطلاع داده میگوید جائی یا شهری در پهنه این امپراطوری یافت نمیشود که افراد آن بدین یهود نگرویده باشند. طبق یکی از اسناد، که نوشتاریست بر روی کاغذ پاپیروس، تعداد قابل توجه ای از اعضای سنای قیصر روم، تریانوس (۵۳ ـ ۱۱۷ میلادی)، یهودی بودند. در دوره اشکانیان تعداد زیادی از ایرانیان، خصوصاً در غرب وجنوب ایران، به یهودیت گرویدند ودر این مورد رساله ای جدا نوشته خواهد شد.

بقیه در صفحه 62

کنیسای شهر کراچی حمله ور شده هرچه در کنیسا بود را به غارت بردند . بسیاری از یهودیان از کشور گریختند به طوری که در سال ۱۹٦۸ تنها ۲۵۰ تن از آنان در پاکستان باقی مانده بودند .

□ هگادا درچین

کنگره یهودیان جهان یک‌کپی از متن هگادا (Haggada) که مورد استفاده یهودیان چینی الاصل است را دریافت نموده است . یهودیان کای فنگ (Kaifeng) درکشور چین مدت ۵۰۰ سال است که ازاین هگادا استفاده می کنند .

یهودیان حدوداً مابین قرنهای ۱۹ - ۱۱ میلادی دراین منطقه زندگی می کردند . اما پس از آن به عقیده بسیاری از مورخین آخرین گروه از این یهودیان رفته رفته در جامعه چین جذب و نهایتاً حل شدند .

□ اعتراض

تعدادی از مسلمانان مسلح در ایالتهای کشمیر و جامو درکشور هند جامعه مسلمانان این کشور را به قیام بر علیه یک سریال تلویزیونی دعوت کرده‌اند . افراد گروه عقیده دارند که این سریال هفتگی با ترسیم شخصیتهای مذهبی به اسلام بی احترامی کرده و کفراست .

افراد این گروه تندرو براین اعتراض دارند که چرا از هنرپیشگان در نقش حضرات ابراهیم ، موسی و عیسی که مورد احترام مسلمانانند استفاده شده است .

□ بدون همکاری یهودیان

به تازگی ٦۰ کماندوی ارتش آمریکا دست به یک تمرین نظامی مشترک درخاک پاکستان زده‌اند . وزیر امور خارجه پاکستان ، محمد صدیق خان کانجو ، از طرف نمایندگان مخالف خود برای حضور سربازان آمریکائی در کشور مسلمان پاکستان به شدت مورد انتقاد قرار گرفت وی در پاسخ به انتقادات این عده و تبرئه خود اعلام‌کرد که دربین سربازان آمریکائی حتی یک یهودی هم وجود ندارد !

اروپا

□ پرده برداری

سنای فرانسه رای براین داده است که مجسمه «شاعر» اثر اُسب زَدکن (Ossip Zadkine) به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد مرگ وی در پاریس به نمایش گذاشته شود .

زَدکن یهودی که درسال ۱۸۹۰ چشم به جهان گشوده بود با به نمایش گذاشتن مجسمه «شهرازمیان رفته» در سال ۱۹۵۳ به معروفیت جهانی رسید . این مجسمه سمبل بمباران بی رحمانه یک شهر بندری درکشور هلند به وسیله آلمانها درسال ۱۹۴۰ است .

□ آشنای هولناک

تلویزیون آلمان به پخش یک مصاحبه تلویزیونی با یک خانواده یهودی بازمانده از دوران نازیسم و Holocaust پرداخت . این خانواده یهودی که خاک آلمان را به قصد اسرائیل ترک میکردند ، به شدت از واکنش همسایگان آلمانی خود نسبت به افزایش حرکتهای ضد یهودی خشمگین و مایوس بودند .

به گفته این خانواده یهودی پس از برخوردشان با عده‌ای ضد یهودی تندرو حتی یک نفر از دوستان آلمانی آنان به پشتیبانیشان برنخاست و آنان را دعوت به باقی ماندن درآلمان نکرد .

□ نامه های تنفر

پلیس انگلیس دست به تحقیقات گسترده‌ای در رابطه با اعلامیه های ضد یهودی در شهرک شنلی Schenley زده است . قرار براین بوده است که یک سری آپارتمان سازی برای یهودیان مذهبی (Orthodox) در منطقه هرت فورد شایر این شهرک صورت گیرد.

این اعلامیه ها که به شکل کتابچه های ۴۰ صفحه‌ای پخش میشوند شامل مقالاتی هستند که یهودیان را متهم به کشتار کودکان دیگر اقوام کرده و حوادث هولناک نازیسم را کاملا منع می کند .

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

گلچینی از گلستان پرگل موسیقی ایران

آثار جاویدان موسیقی ایران

مجموعه نفیس و ماندگار از برنامه گلها بصورت آلبوم. که هرماه منتشر می شود.



«گل ها» میراث ملی گرانبهای ماست که نباید گذاشت بپژمرد: نگاهداشت و واسپاری آن به نسل های آینده این زاد وبوم، فراتر از یک فریضه ملی است.



چهار برنامه گلها در دو کاست

درهر آلبوم

این مجموعه به صورت محدود منتشر می شود.



پخش در سراسر جهان از ایران موزیک IRAN MUSIC INC.

1245 McClellan Dr. #111 Los Angeles, CA 90025 Tel: (310)207-0798

SIMON'S
KOSHER RESTAURANTS

رستورانهای کاشر سیمون

Glat Kosher وزیر نظر RCC اداره میشوند

پذیرای شما با لذیذترین غذاهای ایرانی
به صورت صددرصد کاشر



«کیترینگ سیمون»

برای جشنهای عروسی، نامزدی، برمیتصوا و بت میتصوا
در سالنهای متنوع و مجلل آماده پذیرایی می باشد

رستورانهای کاشر سیمون باداشتن ۲ شعبه در لس آنجلس از هر زمانی به شما نزدیکتر ند

وست لس آنجلس و بورلی هیلز
8706 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

دان تاون لس آنجلس
914 S. Hill St. نبش خیابانهای نهم والبیک
Los Angeles, CA 90015

(213) 627-6535

درویشی و عرفانی نما دارد ؟ کمی مهلت بدهید تا این رابطه روشن تر شود . جریان ازاین قرار است که درطی سی یا چهل سال گذشته ، هر جنبش «خودشناسی» و یا شبه عرفانی وروحانی نما که درآمریکا بوجود آمده ، تعداد قابل توجهی از یهودیان را درصف اول خود جلب نموده و باعث نگرانی شدید والدین یهودی و مقامات مذهبی یهودی گشته است . طبق آماری که اخیراً درمجله تایمز منتشر شد ، یهودیان بیش از پیروان کلیه ادیان دیگر از مذهب خود روگردان شده و به فرقه های دیگر و یا به زمره بی دینان می پیوندند . روانشناسان و جامعه شناسان دو عامل مهم برای گرایش یهودیان بسوی فرقه ها و کیش های «خودشناسی» و شبه روحانی یافته‌اند: یکی عدم رضایت نسل جوان یهودی از فرمهای بیروح و فرسوده در ارائه فرهنگ و آئین یهود ، و دیگری خلق و خوی «معناطلب» و «ماشیح طلب» یهودیان که همواره آنان را طعمه خوبی برای جنبشهای بظاهر معنوی ولی‌کاذب بار می آورد . بعضی ازاین دانشمندان حتی ادعا دارند که کمپلکس «ماشیح سازی» را (The Messianic Complex) یهودیان به جامعه بشری سرایت داده‌اند ! شاید هم حرفشان زیاد نادرست نباشد ، چون تنها در یهودیت است که اعتقاد به آمدن ماشیح و فعالانه و بیصبرانه انتظار ماشیح راکشیدن ، یکی از ارکان اصلی ایمان مذهبی بشمار می آید . این تاکید مذهبی و فرهنگی بر روی ایده ماشیح جنبه های مثبت درونی فوق العاده با ارزشی دارد که متاسفانه کمتر به آن توجه میشود ، و در نتیجه جوانان یهودی گول هر شارلاتانی راکه خودش را و کیش من درآوردی اش را تنها راه نجات بشر اعلام می کند میخورند ، غافل از آنکه :

حرف درویشان بدزدد مرد دون
تا بخواند برسلیمی زان فسون

یهودیان ایرانی هم از این قاعده مستثنی نیستند . اخیراً گرایش شدید یهودیان ایرانی به فرقه های درویشی و شبه عرفانی جورواجور جنجال و سروصدای ناهنجاری بپاکرده است . برخی ازاین جنبشهای «خودشناسی» و کیشهای شبه عرفانی با وعده و وعید زندگی بهتر و سلامتی و ثروت و سعادت طعمه های خود را به دام می اندازند ، و بعضی دیگر با متدهای شبه هیپنوتیزمی و ارضای کمبود های عاطفی و ادعای روحانیت و خدمت به بشر جوانان یهودی را به خود جذب می کنند . خطاب به این عوام فریبان است که حافظ میگوید :

چوطفلان، تاکی‌ای واعظ، فریبی
به سیب بوستان و جوی شیرم ؟



علائم شناسائی نهضت های کاذب «خودشناسی» و یا عرفانی نما در کتابهای بسیاری به همگان گوشزد شده است و در اینجا چند نمونه از آنهارابرای آگاهی بیشتر شما عزیزان بازگو میکنیم :

۱) تشکیلات و نهضت هائی‌که با استفاده از روشهای تلقینی ، فکر و اراده انسانهاراتحت اختیار خود میگیرند .

۲) تشکیلات و برنامه هائی‌که باکنترل خواب و خوراک و دستشوئی رفتن و نیازهای جسمانی دیگر انسان را به حالات کودکی باز میگردانند تاهرچه بیشتر تاثیر پذیر باشد Bodily Manipulation

۳) تشکیلات و برنامه هائی‌که از تکنیک های «خجالت و شرم آفریدن » Shaming درحضور جمع برای تحقیر فرد و از بین بردن و درهم شکستن عقل دفاعی او استفاده می‌کنند تا بهتر بتوانند نظریات خود را به او بقبولانند .

۴) تشکیلات و برنامه هائی که از متد هیپنوتیزم و یا شبه هیپنوتیزم

مادر خانواده شروع کرد به شیون وزاری که : «این چه بدبختی است ؟ تازه بعد از عمری حسرت و مشقت منزل ایده آل خودمون رو در بورلی هیلز خریدیم و دکوراسیون‌کرده‌ایم ، حالا اگر ماشیح بیاد ، باید تمام اینهارو بذاریم و بریم !» پدر خانواده همسر خود را چنین دلداری داد : «نگران نباش عزیزم ! فرعون ها و هامان ها و هیتلرهای دنیا هیچکدوم نتونستند عزم راسخ و نیروی پایداری ما یهودیهـارو درهم بشکنند . تو مطمئن باش که ما از دست ماشیح هم جون سالم بدر خواهیم برد !!»

اما براستی پدران و مادرانی که فرزندانشان با نهضت های عوام فریب شدیداً درگیر شده‌اند ، کدام خط مشی را باید درپیش بگیرند ؟ پاسخ به این سئوال مهم را هریک ازما باید جداگانه بررسی کنیم ، اما می توانیم از تورات و عرفان یهود تـا انـدازه‌ای مـدد بگـیریم . خداوند بجای اعمال زور و تحمیل اراده خـود بـر ابنـاء بشـر ، در تورات صریحاً به انسانها آزادی انتخـاب وآزادی عـمل مـیدهد و میگوید من راه نیک و راه بد را در جلوی روی شما مـی گـذارم ، نیکی و زندگی را انتخاب کنید تا زنده وپابرجا بمانید . آیا وظـیفه پدر و مادر و سایر راهنمایان جامعه به غیر ازاین می تواند باشد کـه راه را از چاه بنمایانند و آزادی انتخاب را به هر فرد جامعه بسپارند ؟

راهست‌وچـاه‌ودیده‌بیناوآفتاب
تاآدمی‌نگاه‌کندسوی‌پای‌خویش
چندین چراغ‌داردوبیراهه میرود
بگذارتابیافتدوبیندسزای خویش

در کبالا (عرفان یهود) آمده است که یکروز پدری آشفته حـال و عصبانی به نزد عارف یهودی «بشت» آمد و از او پرسید که در مورد فرزندش که از تمام فرامین پدر و مادر و فرامین مذهب سرباز مـی زند چه باید بکند ؟ «بشت» پاسخ داد : «اورا بیشتر از همیشه دوست بدار!»

درخاتمه ، بدنیست اشاره کنیم که طبق عقیده بعضی از کبالیست ها (عرفای یهود) ، یهودیان ایرانی که وارث تجربیات دوره استر و مردخای میباشند و بطور معجزه آسائی بیش از دوهزار وپانصد سال درگـالوت دوام آورده‌انـد ، دارای تـوانـائی درونـی و روحـی و اجتماعی خاصی می باشند که چنانچه ازآن درست بهره برداری کنند می توانند در ترمیم‌جهان و سرنوشت بشریت فوق العاده موثر واقع

بقیه در صفحه 62

همگی پراز عجایب و غرایبی بود که در ینگی دنیا می دید و تازه هایی که کشف می کرد . یکبار ، برایمان نوشت اینجا مردم برای دیدن فیلم با اتومبیل می روند توی سینما و شرح کشافی در مورد چگونگی سیستم کار درایوین سینما داده بود که یک هفته بحث گرم خانه ما شد . یکبار دیگر ، دو سه صفحه نامه را اختصاص به این داده بود که چگونه مردم امریکا از داخل آپارتمان طبقه هفدهم یا هجدهم خود با فشار دادن یک دکمه ، درخانه را باز می کنند . این هم از نظر بزرگترهای خانواده ، اختراع تکنولوژیک بسیار حیرت انگیزی بود . او اینها را درنامه هایش می نوشت و من شبها به ماه حسودی ام می شد که از آن بالا شاهد همه دنیا بود و من نبودم . دلم می خواست یک شب پر می کشیدم و می رفتم روی ماه و از آنجا مردم جهان را به تماشا می نشستم و بهترین نقطه دنیارا برای زندگی انتخاب می کردم .بی شک درآن ایام ، بهترین نقطه دنیای من جایی بود که ، برای باز کردن درخانه ، مجبور نبودی تمام طول حیاط و سیزده پله را به سرعت بدوی و گاه از شدت عجله زمین بخوری وزانوهایت زخم شوند .

درخشندگی بیش از اندازه امشب ماه عجیب است و ترا بی اختیار به ادامه راه و غرق شدن در خاطرات گذشته می کشاند . آن سالها ، تقریباً همه عادت داشتند شبهای تابستان را درهوای آزاد بخوابند . پدرومادر و بچه ها وسایر ساکنان خانه ، همگی رختخوابهارادر محوطه کوچکی پهن می‌کردند و انس و الفت و نزدیکی سلیقه ها بیشتر بود . ما بچه ها همان قدر از شنیدن داستانهای هزارویکشب محسن فرید لذت می بردیم که پدر ومادر و مادر بزرگ و عمه خانم . هرشب - ساعت ده - وقتی محسن فرید هنرپیشه خوش صدای رادیو ، شهرزاد قصه گو را به تعریف دنباله داستان می خواند و شهرزاد با گفتن و اما ای ملک جوانبخت قصه گویی را سرمی داد ، تقریباً در تمام پشت بامها وحیاطها و داخل اطاقها ، افراد خانواده دور رادیو گرد می آمدند و این زمان دوست داشتنی را به اتفاق می گذراندند. حال علت این همسایی سلیقه ، نداشتن انتخاب بهتر بود یا دلیلی دیگر داشت نمی دانم ، ولی آن صفا و نزدیکی و همبستگی خانوادگی ، دوست داشتنی و دلگرم‌کننده بود . درآن دوران ما از همراهی پدرومادر در تفریحات هفتگی و تابستانی ، لذت فراوان می بردیم . از عروسی رفتن ، از اوین و درکه و اوشان و فشم رفتن ، از بندرپهلوی رفتن کیف می کردیم .روزها و هفته هارا، به امید فرارسیدن این زمان ، پشت سر می گذاشتیم و خداخدا می کردیم که پدرومادر هرکجا می روند ماراهم‌باخود ببرند . ولی حالا ، باوجود این همه فراوانی و تنوع گشت و تفریح ، باوجود سینما و تلویزیون و اتومبیل و همه چیز دیگر ، امکان بوجودآوردن یکی از آن روزها نیست . سلیقه ها آنقدر متفاوت است که حتی یک برنامه نیم ساعته تلویزیونی را هم ، دونفر از افراد یک خانواده ، نمی توانند به اتفاق ببینند . آن شور با هم بودن هم دیگر درکسی یافت نمی شود . همه از دست یکدیگر خسته و کلافه‌اند و بردباری نشستن زیر یک سقف از توان انسانها خارج شده است . درآن زمان برای ما ، همه پدیده های طبیعی - چون سرما وگرما و باران و برف و آفتاب و ماه - بهانه‌ای بودند برای نزدیکتر شدن به یکدیگر .

ازخم‌کوچه که می گذرم ، صدای ریزش فواره آب نمای یکی از همسایه ها به گوش می رسد . این خانواده تازه به دوران رسیده امریکایی که نمی داند با پولش چه کند ، هرپنج شش ماه یکبار تغییری در خانه خود می دهد تا هم سر خانم خانه - که جز پول خرج کردن لذت دیگری ندارد - گرم شود و هم آقای خانه راه فراری در پرداخت مالیات پیداکند . ولی امشب جای این قبیل منفی بافیها نیست . به جای آن می توان خیال را بر امواج صدای ریزش آب نشاند و کنار رودخانه دربند برد .

دریک شب گرم تابستان ، که دو ساعتی می رانی تا به یک محل خنک برسی ، کنار رودخانه دربند ، آقای قهوه چی ترا - که فکر نمی کردی به این سرعت سردت شود - به نوشیدن چای گرم دعوت می‌کند . از پله های کنار رودپایین می روی ، پله ها چوبی و کج و معوج هستند . همه‌اش نگرانی مباداپایت لیز بخورد و با کله درون‌آب پراز تخته سنگ بیفتی ، با هزار زحمت و باکمک این و آن بالاخره روی تخته سنگ بزرگی می رسی ، همان جا چمباتمه می زنی وآرزو می کنی کاش یک پتو با خودت آورده‌بودی تا بردوش بکشی ، بعد به جست و خیز چابک شاگرد قهوه چی نگاه می کنی که مثل بند باز ، با سینی پراز ظرف پنیر و سبزی و ماست و خیار و چای و دوغ ، ازاین تخت سراغ تخت دیگر می رود و مشتری هارا راه می اندازد . دیگران هم مثل شما از گرما فرار کرده‌اند و خود را به صدای شرشر رودخانه و بادی که ذرات ریز آب را به سرورویشان می پاشد سپرده‌اند . روی سکوی درخانه



مجبور به هم خوابگی با دیگران مینموده‌اند ، صحنه هایی که به راحتی میتوان از آنان درد و شکنجه رااز چهره های نگون بختانی که به التماسها و لابه هایشان توسط تجاوز گران اهمیتی داده نمیشده احساس نمود .

شهادت (ل.ص) :

من و دوستم (ن.ب) درحال رفتن به مدرسه بودیم که ناگهان اتوموبیل مرسدس بنزآبی رنگی درکنار ما توقف نمود و راننده ازما خواست که به مدرسه برساندمان . با ادب پیشنهاد وی را رد کردیم . ولی او هم چنان اصرار میورزید و از ما میخواست که نگران نباشیم او افسری عالیرتبه میباشد و هم‌چنین خود دارای دخترانی به سن و سال ماست . بالاخره حرفهای وی باعث گردید که ما سوار اتوموبیل او شویم . او بلافاصله مسیر خود را تغییر داد و با سرعت به جانب دیگری رانندگی نمود . تا به مقابل ساختمانی چند طبقه رسید و توقف نمود به بهانه اینکه کاری لازم‌دارد از ما خواست که تا انجام کارش با خانواده وی آشنا گردیم . به او گفتیم که مدرسه‌مان دیر میشود لطفاً ما را به مدرسه برسان . وی گفت نگران نباشید من شما را با سرعت به سر کلاسهایتان باز خواهم گ‌دانید . آنگاه ما را از اتوموبیل پیاده کرد و به داخل آپارتمان برد و بسرعت درهارا پشت سرما قفل نمود . هنوز از شوک این واقعه بیرون نیامده بودیم که با فریادی تهدید آمیز از ما خواست تا لخت شویم ، دوستم از وحشت با حالتی دیوانه وار خود را به حمام آپارتمان رسانید و خود را درآن محبوس نمود من سعی کردم که با کنترل بر اعصابم چاره‌ئی بیندیشم . دراین لحظه آن مرد لباسهای گران قیمت خود را از تن خارج و لباده سفیدی پوشید و بعد ازفرش کردن قسمتی از اطاق با قالی کوچکی شروع به خواندن نماز بر روی‌آن نمود بعد ازپایان یافتن نماز درحالیکه جملاتی را زیر لب زمزمه مینمود که احتمالا ارتکاب اعمال آینده‌اش را شرعی مینمود ناگهان سیلی محکمی به صورت من نواخت و دو مرتبه ازمن خواست که لخت شوم .

شروع کردم به التماس و گریه به او گفتم که من باکره هستم و از او خواستم که به من دست نزند . اما او هیچ توجهی به لابه های من نکرد و مرا به روی تختخواب پرتاب کرده و به من تجاوز نمود . بعد از پایان کارش به سراغ دوستم رفت و او را با زور به روی

هایی که دیگر در گتو زندگی نمیکردند کما اینکه خود من در خیابان داریوش که با محله یهودیان بسیار فاصله داشت چشم به جهان گشودم و تجربیات سخت آنتی سمیتزم که پدران ما تجربه کردند را کمتر دیدم و بعدها اصلا ندیدم . عده بسیاری از دوستان خوب من غیر یهودی بودند و در بسیاری از موارد نحوه زندگی من از لحاظ مالی و اجتماعی با توجه به شرایط آن زمان ازاستاندارد بالاتری برخوردار بود . کله مله هو در دوران من وجود نداشت ، یهودیان شیراز تجارت با کشورهای اروپایی داشتند . درمحلات بسیار بهتری زندگی میکردند ، بجای زالواندازان سیل دانشجویان ما درکشور آمریکا به تحصیل مشغول بودند و جای بادکش کنندگان را دکترهای یهودی در بیمارستان های خوب شیراز گرفته بودند و حتی

رئیس بخشهای بیمارستانها و اساتید دانشگاه پهلوی بودند .
دیگر عمله و فعله و بنای یهودی نبود و مهندسین همسن وسال من و کمی بزرگتر از من بطور اصولی شهرسازی لار و قیر و کارزین کلا و دربست در اختیارشان بود - داروسازان داروسازی میکردند و نه کیمیاگری (که اینهم از نیش های آقای برهان بود) ، ودیگر دعانویسی رایج نبود (مگر قبلا وجود داشت ؟).
اینهمه که در بالا اشاره شد بخاطر رهبری محمد رضا شاه بود که شخصی روشنفکر تر از اکثریت عامه بشمار میامد ، امنیت کشور ، تاثیر پذیری از فرهنگهای غرب و وجود کشور قدرتمند اسرائیل در خاورمیانه امکان پذیر شد . گفتم اکثریت عامه بگذارید چند مثال بزنیم . برای شناختن کسانی که آقای برهان درمیان آنان بزرگ شده ، جائی از مقاله ایشان اشاره‌ای دارند به **دکانهای تنگ یهودیان درمیان بازارچه مسلمانان که بهداشتی هم نبوده** بخاطر میاورم زمانی‌که برخی از هموطنان مسلمان یهودیان را مجبور به زندگی در محله کرده بودند و اینان از کوچکترین مزایای شهری و شهرداری محروم بودند تکلیف بهداشت معین می شود که این عمل نه تنها در شیراز بلکه در تمام محلات یهودی شهرستانهای ایران و حتی اروپای قدیم نیز برقرار بود ، با اینهمه همان فرد مسلمان زمانی که ما درخانه‌مان حمام داشتیم و یا جامعه یهودی دارای چند حمام عمومی مخصوص خود بود آفتابه توالت خود را در حوضی تطهیر میکرد که در آن ظروف غذای خود رامی شست . فاحشه هایی که به زور درمحلات یهودی نشین سراسر ایران مجبور به اقامت بودند

یهودی نبودند و هیچ زن یهودی همپالگی آنان نشد نه دزد داشتیم نه قمه زن نه چاقوکش و نه قاتل ، زیرا محله‌ای که دیوارهایش را برخی از قشریون مذهبی و طرفداران بی سوادشان دور یهودیان می کشیدند تنها در مغز آنان وجود داشت و خط دوم دفاعی راکه یهودیان دور آن محله می کشیدند را نمی دیدند و آن فرهنگ چند هزار ساله یهودی بود که شیراز را رباهای بزرگ اسرائیل ، اورشلیم دوم‌می نامیدند و این فرهنگ ذات مارا با غرور و پر افتخار نگاهداشت تا درزمان بهتر ، چنین یهودی شیرازی هم چون دیگران با استفاده از موقعیت کشور ایران بدرخشد و ابرهای پلیدی قشریون مذهبی را نابودکنند و در راه سربلندی‌کشور بکوشند .
محدودیت شغلی - محدودیت محل سکونت - شرکت در عزاداری مسلمانان (من که کسی را نمی شناسم درمراسم تاسوعا و عاشورا تورات رابغل کرده و سرو سینه زنان درآن مراسم شیون‌کند و به خود زخم بزند ، مسلمانان را دیده‌ام . حالا چرا یهودیان این کار را نمی کنند . نه بخاطر آن است که خداناکرده بی احترامی به امامان شیعه شده باشد و یا حرکات مسلمانان را منع کنند ، بلکه بخاطر آنکه صریحاً در تورات و تلمود ، شخص یهودی از جراحت زدن بخود منع شده است) باعث عقب ماندگی درخشش یهودیان شیراز بود و نه ذات آنان .
آقای برهان فرموده بودند که یهودی شیرازی آسته برو آسته بیا عمل میکرده
آیا این فرد یهودی نیم قرن پیش یا بیشتر چاره‌ای جز این داشته . درمقابل چاقو کشانی که شما نام برده‌اید و قشریون مذهبی که خودتان میفرمائید هرزمان که دلشان می خواسته غارتشان میکرده و خیال تجاوز جنسی به زنان و دخترانشان را داشته و اینکار را بعد از جشن عمرکشان (که عمرهمدین و دومین راهبر مسلمان پس از حضرت محمد و از خادمین اسلام بوده) میکرده وبرگورستان یهودی پیشاب می ریخته و در بازارچه مخل تجارتش می شده و جلو هرکس و ناکس مذهبی بایستی دولا شود ورشوه بدهد آقای برهان عزیز ، یهودیان شیرازی چون دیگر یهودیان شهرستانهای ایران و جهان ، از زندگی فلاکت باری که سیه فکران جامعه ایرانی و جهان برایشان رقم زده بودند ، رهایی یافتند . ازآن محله ها کوچ کرده‌اند و آن خصلتهای زیبای انسانی که شما هم گاهی به آنها اشاره کرده‌اید را توانستند بهتر و روشنتر نمایان کنند و حالا براستی

بقیه درصفحه 55

متضاد و کاملا دور از هم ... مثلا لغت (طلاق) که درآن زمان و در مدرسه به او یاد داده بودند که به معنی (جدایی) است ولی طلاق می توانست به معنی (رهایی) باشد و یا (اسارت) ... کاش می شد معلم زبان فارسی مدرسه را پیداکند و با او به بحث به نشیند . هرچند همین روز گذشته برسر این موضوع با بهترین دوستش گفتگو کرده بود و او نظریه دیگری داشت که هر لغت یک یا چند معنای متشابه دارد و نه متضاد ، بهرحال بعد از گفتگوی فراوان دوستش باصطلاح کوتاه آمده و گفته بود هرچه که تو میگویی درست است ...

چرا مدتی بود همه سعی میکردند درمقابل او کوتاه بیایند و یا مدتها به او خیره می ماندند ، مثل اینکه آدم تازه و جدیدی دیده باشند ، نه تغییری در قیافه و ظاهر خود احساس میکرد و نه در رفتار و گفتار فقط شدیداً خسته بود وبی تفاوت ولی رفتار و گفتار همه در مقابل او عوض شده بود .

با اکراه از حیاط به درون رفت و کنج کاناپه زانوها را به بغل گرفت . مادر در حیاط مشغول تکاندن قالیچه های کوچک بود . و به پنجره که نگاه میکردی تا دور دست رنگ سبز بود که خودی نشان میداد . دختر مشغول تفکر بود و چرخاندن چشم ها که ناگهان در اطاق با شدت باز شد و دو بچه کوچک دختر که با شیطنت و لیوان آب بدست بدنبال هم میدویدند ، اوکه تحمل سروصدا را نداشت و بچه هاکه با حرارت و بی خبر مشغول جست و خیز بودند و بعد ... برخورد آنها به یکدیگر و صدای شکستن لیوانها و ریختن آب بر روی میز و کاناپه .....

بچه ها هراسان و خیره به مادر عقب عقب می رفتند و او که با فریاد ، دستهای کوچک آنهارابدست گرفته بود و محکم و پشت سرهم به انگشتان آنها می کوبید ، جیغ و فریاد بچه ها فضا را پر کرده بود و اشکهای آنها که صورتهایشان را خیس .

مادر دختر با صورت پراز عرق و قرمز تازه خلاص شده از تکاندن قالیچه ها به درون آمد ، بچه هارا دید ، با خشم نگاهی حواله دختر کرد و با صدایی خفه زیر لب گفت: **لیاقت بچه هارا نداری ، بی لیاقت ...**

وبچه هارابغل کرد و به حیاط رفت .

تمام بدن دختر به لرزش درآمده بود حتی چانه و سروصورتش ، بر روی کاناپه نشست و فکر کرد ... بی لیاقت چه معنایی داشت ؟ مثلا در ستون روبروی آن در قسمت معنی شاید می شد بنویسی : **بی کفایت و یا سیه بخت ، بدشانس ، بی شعور و یاکنجکاو و نکته بین** ... اگر نکته بین نبود ، آن مرد که نام شوهر را با خودش اینطرف وآنطرف می برد ، دراین شهر بی در و دروازه هر غلطی دلش میخواست میکرد و او اصلا نمی فهمید ، پس مادر اشتباه میکرد ، از دید مادر او بی لیاقت بود ، ولی از دید دیگری ، نکته بین ، پس اگر اسم او را در ستون لغت می نوشتند ، می بایستی در ستون مقابل هزاران معنا برایش ثبت می شد که الزاماً مترادف و متشابه هم نبودند و گاه متناقض و ضد هم ، ولی آیا بین یک انسان و معانی موجود برای او و لغت ها و معانی آنهافرقی وجود نداشت ؟ خودش هم سرگیجه گرفته بود سعی کرد ، آن دفترچه های دو ستونی لعنتی را بدست فراموشی بسپارد ، ولی مگر می شد ، این فکر اورا کلافه کرده بود ، بخاطر آورد که اکثر مردم شوهر او را زرنگ می دانستند ولی او آن مرد را حقه باز می نامید درحالیکه بین زرنگی و حقه باز بودن در ظاهر هیچ شباهت و نزدیکی وجود نداشت و شاید متضاد هم بودند اما شایدرابطه‌ای بین آن دو بود که اکثر آدمها متوجه آن نبودند .

*****

پدر دختربچه هارا به درون اطاق بازگردانید و در حالیکه دستی به سروگوش آنها می کشید و مانع می شد تا با دستهای‌کثیف نم چشمها را بگیرند ، روی به دختر کرد و گفت :

- گرسنه هستند ، میخواهی به آنها نهار بدهم ؟

دختر ، بدن سنگین شده از ناراحتی و غصه خود را از کاناپه بلند کرد ، بطرف پدر رفت و سر بر شانه او گذاشت ، پدر اورا محکم به خود فشرد و آهسته گفت :

- همه چیز درست می شود ، مادر هم از شدت علاقه به تو و بچه هاگاه عصبانی می شود ، سعی‌کن به دل نگیری .....

دختر بر دست بچه هاکه باز با هراس اورا نگاه میکردند بوسه ای زد و گفت :

- برای تنوع ، بیرون از خانه به آنها نهار میدهم .

پدر نفس عمیقی کشید وکلافه بود .

دختر مشغول عوض کردن لباس بچه ها شد . همیشه این عمل با اعتراض آنها روبه رو و مواجه می شد ولی حالا ساکت و آرام خود را بدست مادر سپرده بودند ، و او از اینکه این چنین بچه ها آرام بودند عصبانی بود چرا حتی این بچه های نیم وجبی هم میخواستند با او یک جور دیگر باشند و نه مثل سابق و همیشه .....از حیاط صدای آرام صحبت کردن مادر با کسی می آمد ، دختر ماهرانه بچه ها و تعویض لباس را به دست پدر سپرد وآهسته به حیاط رفت .

به‌آرامی و بدون کفش پشت آن درخت

آیا هرگز به این مسائل اندیشیده‌اید؟



- روابط خانوادگی
- تطبیق خود با فرهنگ آمریکایی
- معاشرت و ازدواج
- پرورش هویت شخصی
- ارتباطات ومشکل زبان بین پدرومادروفرزندان
- حفظ فرهنگ ایرانی همراه با حفظ هویت یهودی

هیلل ایرانیان و سازمان سیامک سعی براین دارند تا اینگونه مباحث و دیگر موضوعات مورد توجه جامعه یهودیان ایرانی را دریک سری گردهمایی مورد تجزیه وبررسی قراردهند.

هدف ازاین برنامه کاهش فاصله موجود بین پدرومادرها ونوجوانانشان وبرقراری یک پل ارتباطی مابین این دو نسل می باشد. امید براین است که این گفتگوها و مباحث باعث پیشرفت و بهبود مناسبات خانواده و هویت شخصی افراد جامعه‌مان شود.

خوشحالیم به اطلاع عموم برسانیم که در راه پیشبرد این اهداف از همکاری و تجربه متخصصین رشته های متفاوت برخوردار خواهیم بود. همچنین کوشش فراوان بعمل آمده است که این اجتماعات در یک جو مناسب وکاملا فرهنگی برگزار شود.

خواهشمندیم به ما بپیوندید تادرماه جولای امسال قدمی مثبت درراه پیشرفت جامعه مان برداریم.

برای اطلاعات بیشتربا شماره تلفن ۳۲۹۱ - ۴۷۴ (۳۱۰) تماس بگیرید.

دوستان را کجا کنی محروم
تو که با دشمنان نظر داری

خوب توجه بفرمائید سعدی زرتشتیان ومسیحیان را دشمنان خدا میداند، بهمانگونه که فردوسی «جهودان» را از کیش اهریمن می پندارد:

جهودان وترسا ترا دشمنند
دو رویند وبا کیش اهریمنند

از سعدی گرفته تا قاآنی، گل سرسبد شاعران دوره قاجار، همه جا پس گردنی خوردن یهودی را یک امر عادی میدانستند:

هرجا که شاهدی، چو رنودش ببر کشیم
هرجا که زاهدی، چو جهودش قفا زنیم

حقارت، خفت وخواری یهودیان، وبی حرمتی به بارقه الهی که در وجود همه انسانهاست، برای پاره ای از شاهان قاجار وسیله واسباب تفریح وخوشگذرانی بود. دکتر ویلز که در دوره ناصرالدین شاه، از سال ۱۸۶۷ به بعد، در ایران به طبابت میپرداخت، یکی از مراسم سلام نوروزی دربار این شاه را چنین تعریف میکند: «در این میان چشم ما به تعدادی حدود بیست نفر یهودیان ژنده پوش مفلوک افتاد که از قرار معلوم بمنظور انداختن بداخل آب یخ زده استخر وسط میدان وفراهم آوردن تنوع خاطر ملوکانه در اینجا جمعشان کرده بودند . . . نوبت به یهودیان رسید. فراشان شاهی دست وپای آنها را چسبیدند وبا یک تکان شدید همه آنها را بداخل استخر یخ زده انداختند. بمحض سرکشیدن از آب وهراسان بیرون آمدن از هرطرف دوباره دست وپای آنها را می گرفتند وهمراه با صدای فریاد وخنده حاضرین بداخل استخر پرت میکردند.»[1] همین مطلب دردآور را الا سایکس، که سالها پس از دکتر ویلز از ایران دیدن نموده، در کتابش تعریف میکند. او مینویسد در مراسم سلام نوروزی: «شاعری در مدح اعیحضرت شعر میسراید وخلعت میستاند؛ دسته هائی همزمان سازهای مختلف مینوازند . . . یهودیان بدبخت را در میان شادی جمعیت مرتب در تانک آب فرو میکنند.»[2] بانو سایکس در جای دیگر مینویسد که هرنوع کار کثیفی را به یهودیان محول میکنند[3].

یهودی ایرانی یا چیز دیگر؟

گرچه شخص رضا شاه میکوشید همه اتباع واقلیتهای کشور را با دیده احسان ومساوات بنگرد، ولی حمایت وی از ناسیونالیسم ایرانی بوسیله تعدادی باصطلاح روشنفکر بصورت نادرست وحتی خطرناکی تعبیر شده بود. در همان دوره فعالیت سیاسی مستر حییم، افرادی چون حسین کاظم زاده، مدیر **ایرانشهر**، مشفق کاظمی، مدیر **فرنگستان**، دکتر محمود افشار، مدیر **آینده**، وبدنبال آنان تعداد کثیری از «تحصیل کرده ها» یهودیان ایران را که بیش از دو هزار وپانصد سال بود که به ایران وایرانی خدمت میکردند، بیگانه میدانستند وطرد واخراج آنان را بعنوان عناصر ناپاک آرزو میکردند. اینان به تبعیت از نازیهای آلمان نژاد آریائی را اشرف مخلوقات ویهودیان را آفریده های دون مایه ودون پایه معرفی میکردند. دکتر افشار، که تحصیل کرده سوئیس است، زیر عنوان **«مسئله ملیت ووحدت ملی ایران»** چنین مینویسد:

امروز وقتی گفته شود «ملیت ایران» مقصود تمامی مردمی است که از نژاد ایرانی در ایران یا خارج از آن توطن دارند باستثنای ارامنه ویهودیان والبته خارجیهای مقیم ایران. یهودیها وارامنه ساکن ایران اگر چه حالیه هموطن ما وتقریباً در کلیه حقوق ملی با ما سهیمند ولی مسلماً از خارج باین مملکت مهاجرت کرده وچون با ایرانیان ازدواج واختلاط ننموده تشکیل اقلیت خارجی در ایران داده وبجامعه ملیت دیگر تعلق دارند که عبارت از ملیت ارمنی وجامعه یهود باشد که هر یک برای خود کانون جداگانه ای دارند. ولی بعکس آنها زردتشتیها، اگر چه از حیث مذهب با مسلمانان ساکن ایران یکی نیستند وقرن هاست که با سایر ایرانیان نیز ازدواج نمیکنند ولی از حیث نژاد وتاریخ چندین هزار ساله یکی میباشند. وی آنگاه تأکید دارد که «نژاد ممتاز آریائی از همسایهای زرد پوست تورانی وعرب های سامی مشخص است.»[4]

از همین مکتب کثیف ولجنزار متعفن تئوریهای نژادی، از صادق هدایت وصادق چوبک گرفته تا سعیدی سیرجانی، آثاری باقی مانده است که سرافرازی برای نویسندگان آن وبرای ملت ایران در بر ندارد. تعداد نسبتاً زیاد کتب ورسالاتی چون **خطر جهود برای جهان اسلام ویهود** که در دوره محمد رضا شاه به حلیه طبع در آمده اند با برداشتی که ما از درخشانی این دوره داریم تعجب آور است[5]. در ده دوازده سال اخیر اگر اراجیفی در ایران علیه یهودیان شنیده میشود جای شگفتی نیست، ولی هنگامی که این ترهات از دهان نویسندگان نامداری چون احمد آرام بیرون میریزد چیزی جز بیشرمی ووقاحت نیست. این

...دیان



...بخاطر جریحه دار شدن احساسات پدر و مادرش
...ذهب بدهد و یهودی شود، اما کاملا حاضر است که
...لیم و تربیت یهودی داشته باشند و یهودی بارآیند.
...یداً در بحران تصمیم گیری گیر آمده و دچار

ناراحتی فکر و تردید است ، چون از یک طرف مطمئن است که در زندگی با ژیلا بخاطر تفاهم روحی و اخلاقی و عاطفی بسیار خوشبخت خواهد بود ، ولی از طرف دیگر بیم آن دارد که یا خانواده‌اش بکلی اورا طرد کنند و یا اینکه فشارهای خانواده و اطرافیان آتش تفاوتهای مذهبی را دامن بزنند و مانع از همزیستی سعادت آمیز او با ژیلا و فرزندانشان بشود . کامران پس از مدتها جستجو ، بالاخره دختر ایده‌آل خودرا یافته است ، اما تکلیف او چیست ؟ تکلیف خانواده کامران چیست ؟ تکلیف جامعه یهودی ایرانی در چنین مواردی چیست ؟

عقیده شما برای ما با ارزش میباشد لطفاً آن را برای ما پست نمائید .

۱ - کامران نبایستی تحت هیچ شرایطی با ژیلا ازدواج کند ؟ ☐ آری ☐ خیر

۲ - کامران بایستی با ژیلا در صورتی که وی یهودی شود ازدواج کند ؟ ☐ آری ☐ خیر

۳ - کامران بایستی با ژیلا ازدواج کند حتی اگر یهودی نشود بشرطی که بچه هارایهودی بزرگ کنند ؟ ☐ آری ☐ خیر

۴ - کامران و ژیلا می توانند ازدواج کنند فقط بشرطی که خانه شان یک خانه یهودی باشد ؟ ☐ آری ☐ خیر

۵ - آیا شما درجشن عروسی آنها در صورتیکه دعوت شوید شرکت خواهید کرد ؟ ☐ آری ☐ خیر

۶ - اگر ژیلا قرار بود عروس شما شود ، از او می خواستید یهودی شود ؟ ☐ آری ☐ خیر

۷ - آیا شما خودتان مرتب به کنیسا میروید ؟ ☐ آری ☐ خیر

۸ - آیا شما خودتان به سازمانهای یهودی وابسته هستید ؟ ☐ آری ☐ خیر

۹ - شما تحصیلات یهودی خود را از کجا فراگرفته‌اید ؟ ☐ خانواده ☐ مدرسه یهودی ☐ کنیسا ☐ مطالعه

۱۰ - آیا شما خودتان را ☐ خیلی مذهبی ☐ کمی مذهبی ☐ لامذهب ☐ میدانید ؟

۱۱ - تحصیلات شما درچه حدی است ؟ ☐ دکتر ☐ فوق لیسانس ☐ لیسانس ☐ دیپلمه ☐

۱۲ - آیا شما ☐ متاهل ☐ مجرد ☐ مطلقه ☐ دوبار ازدواج کرده میباشید ؟

۱۳ - آیا شما بچه دارید ؟ ☐ آری ☐ خیر

۱۴ - آیا بچه هایتان ازدواج کرده‌اند ؟ ☐ آری ☐ خیر

۱۵ - آیا همسر فرزندانتان ☐ یهودی ☐ یهودی (تغییر مذهب داده) ☐ غیر یهودی میباشند ؟

۱۶ - سن شما ؟ ☐ مرد ☐ زن

لطفاً این پرسشنامه را با ذکر نام و یا بدون نام برای ما پست نمائید .

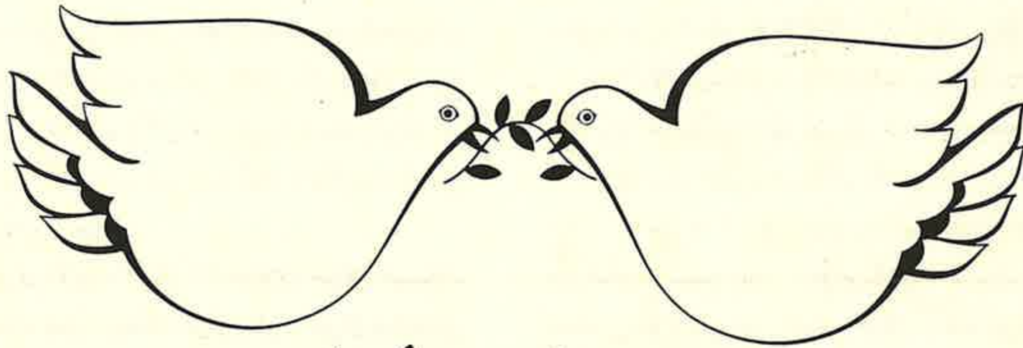
SIAMAK ORGANIZATION P.O. BOX 3074 BEVERLY HILLS, CAL. 90210



به یاری شما نیازمندیم - باما گفت و گو کنید

چشم انداز

(۸۱۸) ۵۰۳-۱۲۷۰



«پیوند دلها»

برای تماس گرفتن با شخص مورد علاقه خود فورم مخصوص صفحه ازدواج را پرنموده وکُد مورد نظر را بجای همسر مورد علاقه یادداشت کنید . به نامه هایی که فورم را کاملا پر ننموده‌اند جواب داده نخواهد شد .

لطفاً روی پاکت بنویسید مربوط به صفحه ازدواج تا تنها شخص مورد نظر آن را باز نماید .

SIAMAK ORGANIZATION P.O. BOX 3074 BEVERLY HILLS,CA 90212

خانمی دکتر ۳۵ ساله ساکن لس آنجلس ، زیبا ، خوش برخورد ، با اصالت ، از خانواده‌ای محترم و معتقد و پای بند اصول اخلاقی و انسانی - مایل به آشنایی با آقایی با حقیقت و با اصالت به منظور ازدواج و تشکیل خانواده می باشم .

کد شماره ۸۰۴



آقایی ۴۲ ساله دارای فوق لیسانس مدیریت ساکن لاهویا با کار شخصی و درآمد ۴۵۰۰۰ دلار درسال تحصیلکرده ، باگذشت ، وفادار ، خانواده دوست و بدون تعصب مایل به آشنایی با خانمی زیر ۳۰ سال ، تحصیلکرده دانشگاه ، مجرد یا قبلا متاهل ، جذاب ، باگذشت ، مهربان که دنبال مادیات نباشد میباشم . درآمد ایشان مهم نیست .

کد ٦٦١



خانمی ۳٦ ساله ساکن انسینو ، دانشگاه دیده با شغل آزاد و درآمد ۳۵۰۰۰ دلار درسال ، ازدواج نکرده ، خوش اندام ، جذاب ، چشم و ابرو مشکی ، نجیب با فرهنگ یهودی ایرانی ، علاقمند به موزیک ، مسافرت ، ورزش ، راه رفتن (پیاده روی) ، مهربان - علاقمند به ازدواج با مردی بین ۵۰ - ۴۰ سال که ترجیحاً تحصیلکرده دانشگاه باشد با شغلی مناسب و آبرومند ، درآمد مهم نیست مجرد یا قبلا ازدواج‌کرده که خوش اخلاق ، باوفا ، خوش برخورد ، مهربان ، راستگو ، مایل به تشکیل خانواده که عقلش در مغزش باشد نه درچشمش .

کد ۸۱۱



خانمی ۳۰ ساله ساکن لس آنجلس فوق لیسانس حسابداری ، در جستجوی کار - سیگار نمی کشم ، مشروب نمی خورم ، تحصیلاتم درآمریکا و کالیفرنیا را خیلی دوست دارم ، تنها آرزوی برآورده نشده‌ام ازدواج و بچه داشتن می باشد ، حافظه‌ام خوب و خوبیهای مردم را فراموش نمی کنم .

همسر مورد علاقه - سن بین ۴۵ - ۴۰ سال از ۵ فوت و ۵ اینچ بلند تر با تحصیلات لیسانس که در رشته خودش‌کار بکند مجرد یا قبلا ازدواج‌کرده مهم نیست درآمدش حداقل بتواند اجاره را بپردازد . می خواهم دونفری با هم کار بکنیم از بچه هایش نمی توانم مواظبت کنم زیراکار مانع می شود .

کد شماره ۷۰۱





Law Offices Of
Laurence A. Rose





درصورت بروز

تصادف

بادفترحقوقی ماومشاور
دلسوز، قاطع ، پرتحرك

فرامرزلوائی

تماس بگیریدودریافت خسارت
رابابهترین سرویس وکمترین حق الوکاله
برای حق قانونی خودتضمین کنید.

FREE Personal Injury Consultation

مشاوره اولیه رایگان است

(818) 705-1555 (213) 247-1555

SERJIK

سرژیک



خواننده ی جوان و
پرشور همراه با
ارکستر ٦ نفره خود
جشنها و عروسیهای
شما را به شبی
خاطره انگیز و بیاد
ماندنی تبدیل خواهد
ساخت .
این شماره را به
خاطر بسپارید .



(818) 500-7872

دکترموریس واحدی فر

M. Vahedifar,D.M.D.,M.S.

باسوابق تدریس وتجربه درخدمات :

دندانپزشکی

ارتودنسی وزیبایی

فارغ التحصیل ازدانشگاه های

پاریس وسانفرانسیسکو

قبول مدیکال واکثر بیمه‌ها

(310) 820-4328

مطب : درسانتامونیکا بولوار- غرب باندی

دکتر منصور یعقوب زاده

دندانپزشکی عمومی و زیبایی

اورتودنسی ردیف کردن دندانها

استاد یار سابق دانشگاههای فرانسه و

دانشگاه ملی ایران با ١٨ سال سابقه کار

قبول کلیه خدمات دندانپزشکی زیبایی

وروکش وروت کانال و اورتودنسی

قبول کلیه بیمه ها ومدیکل

Mansour Yagoubzadeh D.D.S.

General Dentistry
Orthodontics
11859 Wilshire Blvd., Suite 505
Los Angeles, CA 90025

(310) 478-3132

های گذشته از **علی حیدری** و شعرهای عرفانی او سود جست و در ۴ ماه می **دکتر بهادری** سخنرانی ای درمورد عرفان و دانشگاه زندگی ایراد کرد که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

اعضای کلاس فارسی کبالای لس‌آنجلس و کلاس انگلیسی کبالای دکتر مقبوله در اورنج کانتی روز یکشنبه ۲ ماه می در اورنج کانتی گرد هم جمع شدند، باهم آشنا گردیده و ساعات بسیار خوبی را باهم گذراندند.

اعضای کلاس فارسی برای انجام عمل میتصوای دوره خود درنظر دارند متن درسی و بررسی این کلاسها را بصورت کتاب درآورده و با همکاری سازمان سیامک به چاپ رسانده و در اختیار عموم قرار دهند.

*****

روز جمعه شب ۷ ماه می پس از مراسم **نیایش هفتگی** کنیسای **سازمان سیامک**، **دکتر میترا مقبوله** درمورد کبالا و نقش آن برای زندگی بهتر سخنرانی نمودند که با استقبال بی شائبه جمعیت کثیر حاضر روبرو گردید.

*****

گروه نوجوانان سازمان سیامک درماه گذشته اقدام به داشتن یک روز فراموش ناشدنی در مجیک مانتن نمودند که بسیار جالب بود.

این گروه درنظر دارد برای تعطیلات تابستانی نوجوانان و برای باهم نگه داشتن نوجوانان یک سری برنامه تفریحی و آموزشی اجراء نماید.

برای اطلاعات بیشتر و همکاری با این گروه می توانید با تلفن **(۸۱۸)۵۰۳ - ۱۲۷۰** تماس حاصل نمائید و نوجوانان خود را برای آشنائی با دوستان جدید یهودی ترغیب نمائید.

پایان

یادداشتی برمقاله کهن ترین یهودیان ایران درشیراز

وظیفه انسانی و خدمت به بشریت را که در جلوشان سد ایجادکرده بودند را انجام میدهند. فرزندان برومند همان کسانی که در محله های هزار توی افکار پوسیده برخی ضد انسانهای غیر یهودی متصوربودند، اکنون پزشکان - پیراپزشکان - مهندسین شهرساز - نویسندگان با ارزش - سیاستمداران - خلبانان هواپیماهای جنگی - سرداران ارتش - داروسازان شفابخش - بازرگانان برجسته - دانشجویان ممتاز و غیره را در سراسر جهان تشکیل میدهند تا به رسالتی که خدا برعهده آنان گذارده یعنی وسیله‌ای برای بازتاب نور او بودن و سعادت بخشیدن به بشریت گام بردارند.

اینهمه را نوشتم تا پیشاپیش داوری نوشته هایتان نکنم با آنکه تمام آن مجموعه را قبل از چاپ خوانده بودم.

آقای برهان من به قلم شما اعتبار زیادی میدهم ولی نیشهای گوناگون شما در مورد یهودیان از تمسخر کردن میانجی بودن یک یهودی گرفته تا آنان را فقط در هیبت مطرب و عمله و دروغگوی در تجارت ومال خرانی که آثار عتیقه ایران رابه موزه های خارج روان کرده‌اند خواندن وادارم میکند برای افرادی با ته مانده ها و رسوباتی از پنداشت های غلط که مانع رسیدن نور الهی می شوند دعاکنم.

بنیامین کهن

من وگنجشک های خونه

این مرد صلح و وارسته از پرزیدنت کلینتون و جهانیان خواست که به یاری مردم یوگسلاوی و مسلمانان آنجا بشتابند. وی اظهار داشت که نباید منتظر ماند تا موزه‌ای این چنین جهانیان برای کشتار و تصفیه نژادی مسلمانان یوگسلاوی درآینده برپا نمایند.

تا جهانیان چگونه به این آگاهی برسند؟

*****

شکرانه بازوی توانا

درعرض چند سال گذشته هزاران نفر از یهودیان ایرانی از خدمات سازمان هایاس با تحمل مخارج وزحمات شبانه روزی فراوان این سازمان انسانی و یهودیان متعهد جهان، به کشورهای مورد علاقه خود برای مهاجرت منجمله آمریکا، استفاده نموده‌اند.

متاسفانه اکثریت قریب باتفاق این افراد پس از مهاجرت و اسکان و رونق زندگی و شغل خود هیچ گونه عملی حاکی از سپاس را به این سازمان و افراد آن نشان نداده‌اند.

ارسال یک نامه تشکر یا هر مقدار پول شما در روحیه این افراد و کمک به انسانهای درمانده دیگر دنیایی ارزش دارد، علاوه برآن نمایانگر شخصیت فرد و اجتماعی است که به آن وابسته‌اند. یک یهودی وارسته نه راهزن است و نه زالو صفت.

בס"ד

اطلاعیه مدرسه نتن ـ الی

بدینوسیله به اطلاع همکیشان گرامی میرسانیم مدرسه نتن ـ الی از هم اکنون برای برنامه تابستانی برای فرزندان بین ۱۳ ـ ٦ ساله شما ثبت نام مینماید نظر به محدود بودن جا لطفاً هرچه زودتر با مدرسه بـا شماره تلفن ۰۲۰۰ ـ ۳۴۲ (۸۱۸) تماس حاصل فرمائید.

درضمن برای کلاسهای اول ـ دوم ـ سوم برای سال آینده هنوز تعدادی جا موجود است.

برای کسب اطلاع لطفاً با مدرسه تماس حاصل فرمائید.

کادر آموزشی نتن الی از معلمین مجرب و دلسوز تشکیل شده است و برای اطلاع از سطح آموزشی مدرسه از شما دعوت می نمائیم از والدین عزیزی که درحال حاضر فرزندانشان در آکـادمی نـتن الی تحصیل میکنند جویا شوید.

مدرسه نتن ـ الی

18043 Topham Street, Reseda, CA 91335
(818) 342-0200

برنج باسماتی تورت حئیم

برنج باسماتی تورت حئیم با مرغوبیت درجه یک در کلیه فروشگاههای ایرانی موجود است خواهشمندیم با خرید این برنج هم کمک به مدارس تورت حئیم نموده و هم از بهترین برنج باسماتی بهره مند شوید

انجمن دوستداران آلیانس درآمریکا ـ شاخه یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا

کمیته بزرگداشت آلیانس

پرسشنامه مربوط به فارغ التحصیلان مدارس آلیانس ایران

LAST NAME : FIRST NAME :

ADDRESS : STREET NUMBER :

CITY : STATE : ZIP CODE :

TELEPHONES : RESIDENCE : ( ) OFFICE : ( )

DATE OF BIRTH : (OPTIONAL)

IF SUBMITTING FOR SOMEONE ELSE :

LAST NAME : FIRST NAME :

RELATIONSHIP :

DATE OF BIRTH AND / OR DEATH :

MEMBER OF ALLIANCE STAFF : YES □ NO □

IF YES, POSITION?

CITY AT WHICH YOU ATTENTED ALLIANCE SCHOOL :

BRIEF PERSONAL HISTORY (ENGLISH OR FARSI, OPTIONAL) :

WE RESERVE THE RIGHT TO EDIT THE ABOVE HISTORY.

MINIMUM CONTRIBUTION : $ 250

PLEASE MAKE THE CHECKS PAYABLE TO :

ALLIANCE ISRAELITE UNIVERSELLE, INC.

AND MAIL TO :

COMMITTEE FOR HONORING A.I.U.

215 S. LA CIENEGA BLVD. SUITE 205

BEVERLY HILLS, CA. 90211

دولت از این فرصت طلائی استفاده نموده و حکومت را به باد انتقاد گرفته‌اند ، دولت سلطان حسن با آوردن چهره های جانشینان خوشنام بجای خطاکاران روی پرده تلویزیونها سعی برآن دارند که ایمان خدشه دار شده مردم را نسبت به دستگاههای دولتی به ویژه پلیس دوباره بازگردانند .

۷ ساعت طول کشید تا اعترافات (تابط) شنیده شود . همانطوریکه گفتیم درآغاز همه چیزراانکار نموده و حتی ابراز نمود که خانه های بسیاری در مناطق اعیان نشین وجود دارند که اعمال خلاف آنچنانی درآنان بسیار گسترده تر انجام میگیرد ولیکن هنگامیکه درمورد دخترک چهارده ساله‌ای که مورد تجاوز وی قرارگرفته از او سئوال شد نتوانست خودداری نماید و در حالیکه نوع تجاوز را تشریح میکرد خود به گریه افتاد و در مورد دیگری که دخترک چهارده ساله دیگری را فریب داده و در اختیار افسر عالیرتبه پیری قرار داده که با ناتوانی جنسی که داشته اما میدانسته چگونه با استفاده از وسایل مخصوص نسبت به آن دختر خود را ارضاء نماید یکی ازوکلا خاضر در دادگاه نتوانست تحمل شنیدن آن را داشته باشد بیهوش شده و نقش برزمین گردید . درتمام این مدت صدای هق هق گریه های آرامی از قسمت مشاهدین دادگاه بگوش میرسید . همسر دوم(تابط) حاضر به شهادت به نفع وی گردید و به قضات ابراز داشت که ازوی دارای سه فرزند پسر میباشد و زندگی زناشویی نرمالی را باوی داشته است و او فردی مذهبی است و روزی سه مرتبه نمازمیگزارد ، هرگز متوجه وضعی غیر عادی درمورد وی نشده است و آمیزش جنسی آنان نیزبطور طبیعی انجام میگرفته . وکلای وی سعی کردند که او را فردی نامتعادل قلمداد کرده و از قضات بخواهند که او را به بیمارستانهای روانی برای معالجه بفرستند که با مخالفت قضات روبرو گردید . خود وی درحالیکه گریه میکرد و سعی در جلب ترحم قضات مینمود ابراز داشت که در درون من شیطان لانه کرده و من همواره سعی کرده‌ام تا با وی بجنگم و او را و غرایض بد نفسانی را از خود دور سازم اما دادستانی با ارائه مدارکی همچون موجودی حساب بانکی وی که بیش از دو میلیون دلار درآن نشان داده میشد که از طریق اخاذی از شرکتهای بزرگ ساختمانی ، کلوب های شبانه ، رستورانها و سایر مشاغل کسب گردیده ثابت کردند که با فردی هوشیار که میدانسته چگونه ازمقام خویش به نفع خود سوء استفاده نماید طرف میباشند .



۸ هفته از آغاز شکایت تا پایان محاکمه بطول انجامید . دادگاه عالی کازابلانکا که به مدت ۳۲ روز بدون وقفه از ساعت ۹ صبح تا یک بعد از نیمه شب به کار خود ادامه میداد رئیس سازمان امنیت کشور را مجرم به تجاوزات جنسی به ۵۱۸ نفرزن و دختر شناخته و وی را محکوم به اعدام از طریق تیرباران نمود . ٦ افسر عالیرتبه دیگر مجرم به تجاوزجنسی بازور گردیده و به حبسهای دراز مدت محکوم گردیدند . دادگاه امکان فرجام خواهی را به دلیل موجودیت مدارک ثابت شده از طریق فیلمهای ویدیو را رد نمود . دو میلیون دلار موجودیِ حساب بانکی (تابط) بین زنان مظلوم قسمتِ خواهد گردید . و تمام فیلمها و مدارک بلافاصله نابود خواهند گشت . حکم اعدام بلافاصله بعد از امضاء دادستان کل به مورد اجراء درخواهدآمد .

مردم بعد ازشنیدن خبر محکومیت (تابط) ویارانش به خیابانها ریختند و به هلهله و شادی پرداختند . اتوموبیلها با چراغهای روشن و بکار انداختن صدای بوق و زنان با صدای (کِل) زدن رضایت خود را از نتیجه حکم دادگاه نشان دادند .

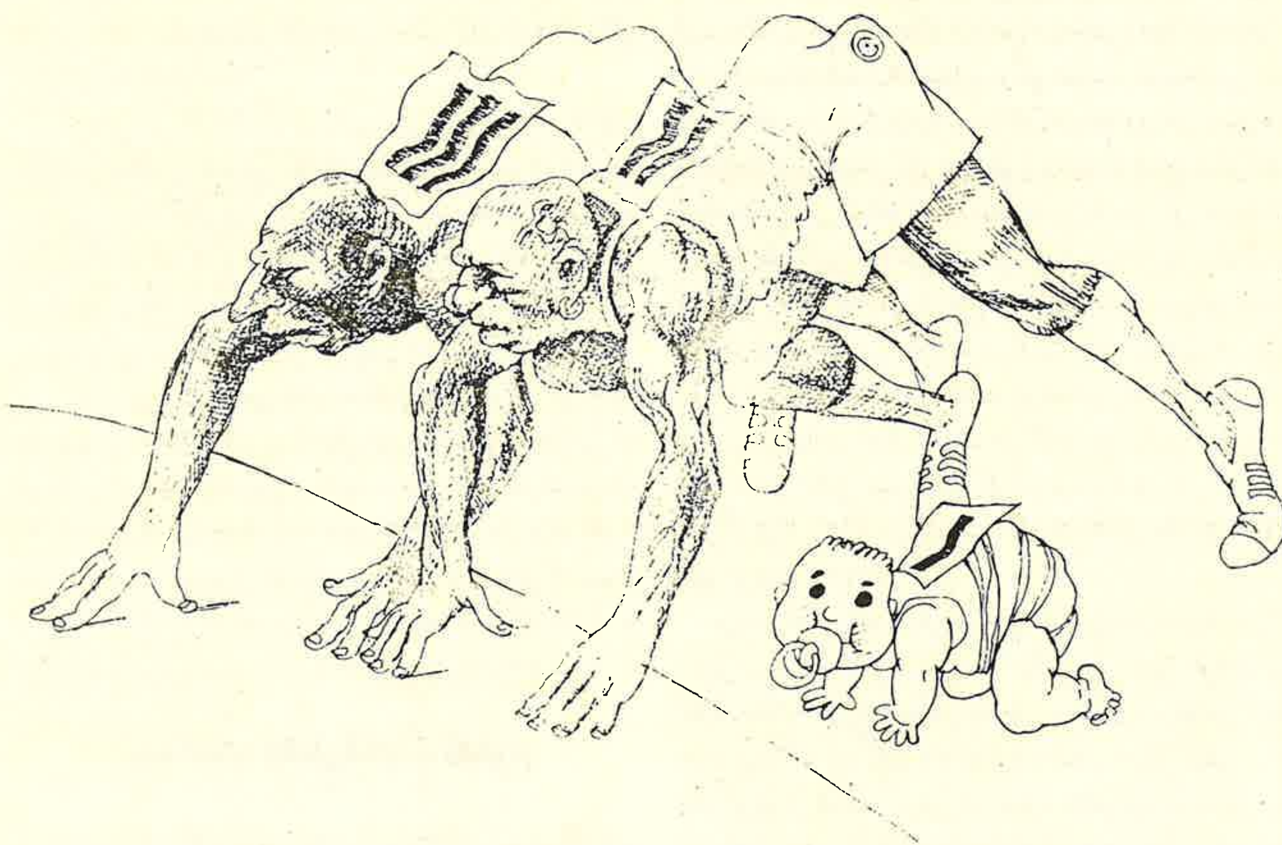
درپایان دادگاه قاضی القضات کشور اعلام داشت :

«اگر در توانایی قضات حکمی بدتر وجود داشت مطمئناً آن را در مورد او بکار میبردند».

ورزش، کلید سلامت بدن

بیشتر مردمان در میان سالی دچارد دردهای پشت و کمر می شوند. پزشک به آن ها ورزش گردن، کتف ها، و کمر را توصیه می کند. شخص دردمند پس از مدتی ورزش و خوردن داروهای مختلف، خود درد خود را آرام شده می بینند و به فکر می افتد که چرا تا به حال از تأثیر ورزش غافل بوده است. ورزش کاران قدیمی را می شناسیم که به محض دور افتادن از مدال و رکورد، ورزش را ترک می گویند. در حقیقت به تازگی اهمیت ورزش در سلامت و بهداشت آن قدر آشکار شده که می توان گفت ورزش به عنوان جزء ثابتی از بهداشت تن و روان شناخته شده است. دایره المعارف بریتانیکا در کتاب سال پزشکی و بهداشت، بخشی را به ورزش و مداومت در آن اختصاص داده است که می خوانید.

مصطفی موسوی



در دنیای امروز مردم خیلی بیش از گذشته ورزش می کنند. نتیجه ی تحقیقات فواید ورزش را در سلامتی عروق قلب، کم شدن و ثابت ماندن وزن بدن، ایجاد هم آهنگی و نرمش اعضا، و ازدیاد درک و احساس مغزی ثابت و مسلم کرده است. طبق آمارگیری های گالوپ و هاریس معلوم شده

ورزش کننده، عوامل شخصی

انواع عوامل مختلف فیزیولوژی، روانی، و آماری در باره ی افرادی که ورزش را شروع می کنند ولی ادامه نمی دهند وجود دارد که بعضی از این عوامل خارج از کنترل شخص اند. مهم ترین عامل روانی متغیر در باره ی هواخواه ورزش بودن عاملی است که روان شناسان به آن لوکوس کنترل می گویند.[1] شخصی که لوکوس کنترل درونی دارد معتقد است که اعمال خود او در رابطه و برخورد قطعی با سلامتی آینده و سایر جنبه های زندگی اش مؤثر است و شخصی که لوکوس کنترل برونی دارد معتقد است که آینده ی او کلاً توسط یک سری نیروهای خارجی مشخص می شود. بدیهی است که افراد از نوع یکم با داشتن برنامه ی مرتب ورزشی مداومت و استقامت بیش تری در حفظ آن دارند.

انگیزه های شخصی نیز رل مهمی در هواخواه ورزش شدن دارند. یک روان شناس ورزشی به نام رود دیشمن مدل روان زیستی خاصی را برای پیش گویی افرادی که هواخواهی و استقامت در ورزش دارند تهیه کرده است. این نمونه عبارت از ماشینی است که می توان آن را شاخص خودانگیزی نام نهاد. این دست گاه مقدار اجزای ترکیبات روانی شخص را مشخص می کند. این اجزا شامل وزن و میزان چربی بدن اند که تأثیر مستقیم در خصوصیات روانی دارند و با تعیین و تطبیق این عوامل با خصوصیات دیگر شخص، می توان میزان علاقه مندی و استقامت شخص را در ورزش پیش گویی کرد. بررسی هایی که با دکتر "آن وُرْد" و دکتر ویلیام مورگان از دانش گاه ویسکونسین با این دست گاه به عمل آورده اند، ثابت کرده که با این وسیله به سهولت می توان میزان مداومت شخص را در اجرای برنامه ی ورزشی، در مقایسه با کسانی که ورزش را رها می کنند، مشخص کرد. ولی با تمام این احوال مسئله خودانگیزی روانی کلید اصلی هواخواه ورزش بودن و ادامه ی آن است. طبق بررسی های آماری، مشخص شده که عوامل دیگری همانند وضع اقتصادی ـ اجتماعی، تأمین روانی، سن، و میزان تحصیلات در تنظیم و اجرای برنامه ی ورزشی مداوم مؤثرند. مثلا افراد مسن خیلی بشتر از افراد جوان علاقه مند به شروع یک برنامه ورزشی اند.

بر خلاف تصور یا اظهار نظرهای یأس آمیز بعضی ها، سن به هیچ وجه عامل بازدارنده در این مورد نیست.

داشتن شرایط اجتماعی ـ اقتصادی خوب و تحصیلات عالیه تأثیر فوق العاده ای در طرفداری و وابستگی به ورزش دارد.

سایر مشخصات انفرادی برای پیوستگی به ورزش منوط به وضع جسمانی و سبک زندگی است. افرادی که بدن وبافت های با چربی کم تری دارند برای انجام ورزش های نرمشی و بدن سازی آمادگی فوق العاده خوبی دارند، زیرا این گونه افراد برای گرفتن و پس دادن اکسیژن استعداد بیش تری دارند. ولی افرادی که چربی زیاد عضلانی دارند گرچه استعداد کم تری در ورزش های نرمشی و بدن سازی دارند، ولی به خوبی می توانند برنامه ی ورزشی منظم داشته باشند و در اجرای آن استقامت ورزند. هم چنین افرادی که دود مصرف نمی کنند (سیگار و پیپ و غیره) خیلی بیش تر از افراد دودی قادر به ادامه ورزش اند. خوش بختانه چاقی و سیگار کشی تحت تأثیر شدید ورزش مرتب است و کسی که برنامه ی ورزشی منظم و مداوم داشته باشد هم لاغر و سالم می شود و هم به تدریج مصرف سیگار را تا ترک کامل کم می کند.

ورزش کننده و انتخاب نوع ورزش

نسبت به انتخاب نوع ورزش مرد یا زن تاکنون توجه چندانی نشده است. مسئله مهم آن است که ورزش کننده به هر نحو بایستی از ورزش لذت ببرد تا روحیه ی لازم را برای ادامه ی آن داشته باشد. مسلم است که هر کس یک نوع ورزش مثل دویدن یا نرمش بدن سازی را انتخاب می کند، و این انتخاب اغلب احساس رقابت نسبت به دوستان ورزش کار است. اگر کسی از ورزش احساس نوعی لذت، نشاط، و قدرت روحی نکند، مأیوس می شود و آن را رها می کند. مهارت در یک فعالیت خاص ورزشی و لزوم داشتن تسهیلات مانند استخر، محوطه ی باز، و یا حیاط بزرگ از عوامل تشویق کننده اند. اغلب اوقات اشخاص در مورد میزان مهارت خود درفعالیتی که برای انجام یک ورزش و برنامه ی انتخابی ای که در نظر می گیرند واقع می گیرند واقع

ورزشی، و سایر امکانات فرعی مثل وجود پارکینگ اتومبیل، وجود قفسه‌ها و اتاق رخت کنی با قفل و غیره عوامل تسهیل کننده ی مداومت در ورزش اند.

نتیجه بررسی های متعدد نشان داده است که **ورزشی به طور دسته جمعی و گروهی بیش تر مورد علاقه است تا به طور انفرادی**، محیط ورزشی دسته جمعی بایستی دوستانه، با حمایت های مختلف، و جود وسایل باشد. بعضی ها توصیه می کنند که **ورزشی کننده ی جدید، بهتر است نام خود را در چند کلاس بنویسد تا اگر از یکی مأیوس شد، از دیگری استفاده کند.** در انجام ورزشی هیچ چیز مضرتر از مأیوس شدن نیست، مخصوصاً در مورد افراد تازه کار که می خواهند گروهی مانند خود و با هدف مشابه پیدا کنند.

همسری مشوق می تواند نقش بسیار مهمی در تدوام ورزش طرف مقابل خود ایفا کند. زیرا، این گونه زوج ها می توانند برنامه ی ورزشی مشخصی را با هدف معینی با هم تعیین کند و به اتفاق هم ورزش کنند.

وسایل

نوع وسایل ورزشی برای برنامه ی شخصی اهمیت فوق العاده ای دارد. مخصوصاً در مورد این که **وسایل سالم امکان ورزش آرام را فراهم می کنند** و ناراحتی و صدمه ای برای ورزش کننده ایجاد نمی کنند.

یک وسیله خوب طراحی شده و مهیج ، می تواند اثر خوبی در تشویق و پیش برد فعالیت های ورزشی داشته باشد. **مثلاً مسئله تخت کف کفش تنیس خیلی بیش تر از نوع چوب راکت اهمیت دارد.**

امروزه وسایل ورزشی جدیدی به بازار آمده اند با دستگاه های کامپیوتری هم راه اند و رابطه ی متقابلی را بین وسیله و ورزش کننده ایجاد می کنند و مانع دل زدگی ورزش کننده از رسیدن به هدفش می شوند.

در سال ۱۹۸۷ دو نفر از متخصصان ورزش ۴۵۵ نفر ورزش کننده را که با یست نوع وسیله، کار نشان داد که **ورزش با دوچرخه ی ثابت، بهترین وسیله برای سلامتی و تشویق ورزش کار است، به خصوص دوچرخه هایی که نشان دهنده های کامپیوتری دارند و سر بالایی و سرپایینی، سرعت، میزان مصرف کالری و زمان بندی لازم را نشان می دهند.** این نوع ورزش با یک برنامه دوازده هفته ای باعث شد که هشتاد در صد از افراد تحت کنترل ، برای ادامه ی آن ابراز علاقه کنند و در نود در صد جلسات حضور بیابند.

پاداش مداومت

در سال ۱۹۸۷ گروه اعضای لابراتور فیزیولوژی دانشکده ی پزشکی با همکاری شورای استادان بهداشت جسمانی، پس از بررسی و مطالعه مسئله، برای این که ورزش کننده ها در فعالیت ورزشی خود مداومت داشته باشند چند توصیه زیر را اعلام کردند:

۱ - تهیه ی یک طرح و برنامه ی ویژه ی ورزشی. تهی هی چنین طراحی اهمیت فوق العاده ی دارد. بعضی ها برنامه را شخصاً با نظر یک متخصص می نویسد و گروه دیگری قرار داد خاصی را با یک متخصص امضا می کنند تا توجه و علاقه ی آنان افزایش یابد.

۲ - تعیین هدف های واقعی . هیچ چیز بدتر از آن نست که ورزش کننده، هدف غیر ممکن یا غیر واقعی داشته باشد، که متأسفانه زیاد دیده می شود. این افراد نمی دانند که از ورزش کردن باید چه چیزی انتظار داشت. مثلا شخصی (زن یا مرد) هدفش کم کردن وزن در حد ۴/۵ کیلو در هفته است، که این کار بدون خطر نیست و هدفی غیر واقعی است! هدف صحیح و واقعی در این مورد این است که یک ورزش کننده ی منظم و بهداشتی و مداوم ، در هفته حدود نیم کیلو از وزنش کاسته شود.

۳ - انتخاب وسیله ی محکم. وسیله ورزش باید محکم و سالم باشد. زیرا، در صورت خراب شدن و یا شکستن وسیله، جلسات ورزش قطع و یا به کلی حذف می شوند. همان طوری که قبلا گفت شد، عامل بسیار مهم در ورزش تداوم آن است.

۴ - تعیین زمان و مکان ورزش . بررسی ها نشان داده اند کسانی که برای ورزش خود زمان و مکان مشخصی را تعیین و انتخاب می کنند، خیلی بیش تر از کسانی که تعیین زمان و مکان ورزش آن ها منوط به اتفاق است، به ورزش علاقمند شده و آن را ادامه می دهند. بعضی از متخصصان ورزشی توصیه می کنند که **ورزش را بایستی مانند یک شغل مشخص در زمان و مکان معینی در نظر گرفت. زمان و محل آن باید تغییر ناپذیر باشد.**

۵ - خانواده یا دوستان مشوق خود را در نظر داشته باشد. این مسئله نیز مهم است که سایرین، مخصوصً همسر و دوستان، رفتار مثبت و تشویق کننده ای نسبت به ورزش بدن سازی و سلامتی شخص ورزش کننده داشته باشد.



نامه سرگشاده

به دوستداران وخوانندگان

چشم انداز

دوستان عزیز

نزدیک به سه سال از انتشارنشریه چشم اندازمی گذرد . چشم اندازکه با تیراژی انـدک و درقـطع روزنامه آغاز به کارکرد اکنون با تیراژی نزدیک به شش هزار شماره ماهیانه برای شما ارسال مـی گردد.

تلفن ها و نامه های حاکی از قدردانی شما پشت گرمی مادرهرچه بهتر عرضه دادن این نشریه است مقالات سیاسی ـ اجتماعی ـ فرهنگی ـ پزشکی و .... همواره مورد توجه شما دوستان عزیز بوده است . هدف از انتشار این نشریه بالا بردن سطح آگاهی عمومی در کلیه امور اعم ازسیاسی ـ فرهنگی ـ مذهبی و ارتقاء هویت یهودی ایرانی است . دراین راه ما ازحمایت ارزنده ترین نویسندگـان ـ پژوهشگران و ادیبان جامعه خود برخوردار بوده‌ایم . اعضای هیات تحریریه چشم انداز هـمواره چشم براه دریافت پیشنهادات ـ نظریات و انتقادهای شما هستند .

این نشریه به طور رایگان دراختیار همگی شما دوستان عزیز قرار می گیرد ، ولی متاسفانه بـه عـلت بالابودن هزینه های مختلف نظیر چاپ و پست و غیره آگهی های موجود در مجله کفاف مخارج آنرا نمی نمایند . بدین جهت از شما دوستان عزیز تقاضا می کنیم که با ارسال وجه اشتراک ماراددرهرچه بهترکردن این نشریه یاری دهید.

کمک های شما هرچندکوچک ، می توانند آینده ساز جامعه ما باشد .

باسپاس

هیئت تحریریه چشم انداز

רפא"ל מציעה לארה"ב את "פיתון-4" - טיל אוויר-אוויר המתקדם ביותר שפותח בישראל

אלוף בן

רפא"ל מציעה למכור לארה"ב את הטכנולוגיה של הטיל "פיתון-4" - המתקדם בטילי אוויר-אוויר שפותחו בישראל. לדברי השבועון "דיפנס ניוז", הטיל הישראלי מתמודד בתחרות לפיתוח דגם העתיד של טיל אוויר-אוויר לטווח קצר, לשימוש הצי וחיל האוויר האמריקני.

היקף הכספי של תוכנית הפיתוח וההצטיידות, הנקראת X-AIM-9, נאמד בידי מקורות בפנטגון ב-3 עד 4 מיליארד דולר. תנאי המיכרז קובעים שרק יצרנים אמריקנים יוכלו להיות קבלנים ראשיים. כתוצאה מהחלטה זאת, גורמים זרים המבקשים להתמודד על העיסקה יכולים להופיע רק כקבלני-משנה של חברות מארה"ב.

לפי השבועון היוקרתי לענייני ביטחון, בפנטגון מבקשים עתה לחסוך בהוצאות הפיתוח ולקצר את שלב הפיתוח הראשוני מ-3 שנים לשנה וחצי. בחודש יוני תגובש מדיניות הרכש של הפרויקט והיא תובא לאישור ועדת פיתוח בכירה בפנטגון.

לוח הזמנים המקוצר יאפשר להכניס את הטיל החדש לשירות ב-98', ויעניק יתרון למתחרים במיכרז שיש בידיהם דגם של טיל מבצעי.

רפא"ל לא פירסמה מעולם את קיומו של ה"פיתון-4" ולא חשפה מאז 83' דגם חדש של טיל אוויר-אוויר. לעומת זאת, בעיתונות הזרה נכתב כבר בשנה שעברה, כי רפא"ל השלימה את פיתוח "פיתון-4", וכי הטיל החדיש הוכנס לייצור.

מקורות ברפא"ל אמרו לירחון "אינטרנשיונל דיפנס ריוויו", כי אפשר לספק את הטיל החדיש ללקוחות בחו"ל, כשנתיים עד שלוש שנים מיום חתימת החוזה.

מומחי הירחון העריכו, כי ל"פיתון-4" יתרונות בשוק היצוא, כיוון שפיתוחו של הטיל הקדים את המתחרים מאירופה ומארה"ב. לפי הירחון, ה"פיתון-4" מצויד בחיישן אינפרא-אדום חדש, המשפר את סיכויי הפגיעה ואת חסינות הטיל מאמצעי שיבוש. ככל הנראה, מותקן בו ראש קרבי חדש שפותח בארץ, המתכוון לעבר מטוס האויב ויעילותו טובה פי 3 משל הראש המקובל.

דגמים אחרים, המתחרים במיכרז האמריקני לטיל אוויר-אוויר חדש, הם ה- AIM-9 R האמריקני וה-ASRAAM.

טילי אוויר-אוויר הם מוצר היצוא המוביל של רפא"ל, שמכרה עד היום טילי "שפריר" בשווי של מאות מיליוני דולרים. בפברואר השנה, חתמה רפא"ל על עיסקה למכירת דגם מתקדם של טילי אוויר-אוויר למדינה זרה, בהיקף של כ-100 מיליון דולר למשך ארבע שנים. מסכום זה, כ-80 מיליון דולר ישולמו תמורת הטילים, והיתר תמורת שירותי הדרכה, תחזוקה ותמיכה לוגיסטית. היתה זו העיסקה הראשונה למכירת טילים מדגם מתקדם.

בחו"ל פורסם, שרפא"ל הציעה את ה"פיתון-4" גם לגרמניה, לחימוש מטוס הקרב האירופי (EFA). גורל המטוס האירופי אינו ברור, אך נראה שלטיל הבריטי ASRAAM סיכויים טובים להיבחר כחימוש אחיד שלו.

עוד הקלות בפיקוח על מט"ח בישראל: הקצבת מטבע החוץ לנסיעה עיסקית הוגדלה

ג'ודי מלץ

כל תושב ישראל, הנוסע לחו"ל בנסיעה עסקית, יוכל מעתה לרכוש יותר מ-3,000 הדולרים, שהיו מוקצבים עד כה לנסיעה; זאת, במסגרת שורה של תיקונים להוראות הפיקות על מטבע חוץ, שפירסם השבוע בנק ישראל.

עד כה, רק יצואנים או עובדים שנשלחו על ידי מעבידיהם לחו"ל יכלו לזכות בהקצבה המוגדלת. לפי התיקון החדש, כל ישראלי הנוסע לחו"ל בנסיעה עיסקית, אשר ההוצאות הקשורות בה מוכרות על ידי מס הכנסה, יהיה זכאי להקצבה המוגדלת. סכום ההקצבה יעמוד על 200 דולר ליום, אך לא יהיה יותר מ-5,000 דולר לכל נסיעה.

תיקון נוסף, שפורסם השבוע, מאפשר לכל אחד מתושבי ישראל לסחור בזהב, מבלי שיידרש לקבל רשיון מיוחד מהמפקח על מטבע החוץ. כמו כן יותר מעתה לתושבי המדינה לקנות, למכור ולהחזיק ברשותם מטילי זהב.

להלן יתר התיקונים להוראות הפיקוח, אשר לטענת בנק ישראל משתלבים במדיניות הרחבת הליברליזציה במטבע החוץ בישראל:

◆ כל יורש תושב חוץ יוכל להעביר ירושה מישראל לכל מדינה. עד כה התייחס ההיתר רק ליורשים שהם אזרחי מדינות המקיימות יחסי הדדיות עם ישראל בנושא העברת ירושות.

◆ תושב ישראל, המשמש נאמן או מיפה כוח בפיקדון של תושב חוץ או של בעל פטור, יהיה רשאי לבצע תשלומים בשיקים, המשוכים מהפיקדון שבו הוא נאמן והחתומים על ידי בעל הפיקדון. עם זאת, הוא עדיין לא יהיה רשאי למשוך מן הפיקדון מטבע חוץ במזומן, בהמחאות נוסעים או בשיקים לפקודתו.

◆ יצואן ישראלי, הרשאי להפעיל משרד בחו"ל, יוכל מעתה להעביר לחשבונו בחו"ל מטבע חוץ באמצעות סוחר מוסמך בארץ, לשם ביצוע תשלומים לצורך הפעלת המשרד בחו"ל. עד כה הותר ליצואן לשלם את הוצאות המשרד בחו"ל אך ורק מתוך תקבולי היצוא, שהופקדו בחשבונו בחו"ל, ללא אפשרות להעברת מטבע חוץ מישראל למשרד בחו"ל.

This is aptly expressed by a parable narrated by S.Y. Agnon, the 1966 Noble Laureate in Literature, in his novel Guest for the Night (1939):
It is like an architect who asked for a stone and they gave him a brick, for he intended to build a temple, while they intended to build a house to live in.

But is the house sturdy? Nearly 80% of world Jewry chooses not to dwell in it, thousands of Jewish Israelis are abondoning it, and rising Arab population and demonstrations are thretening to dismantle it.

Clearly, the house (State) and garden (kibbutz) that Zionism has built are in need for repairs. Today's custodians must reclaim the cornerstone which yesterday's builders have rejected. They must see in Jewish nationalism a movement of spiritual salvation and regeneration.

In the shifting sands of time, Israel will be judged, and its future will depend, on the will and ability to return to its Sinaic foundation, a cornerstone in the construction of God's Kingship upon earth.

2. There is a drift towards the nuclear family. This endangers the traditional female role in the kibbutz.

3. The formative kibbutz principles have constantly to be adjusted to a changing general environment. New problems include: hired labour; lobbying for influence; and the reinterpretation of the woman's role. In the past she has been regarded as a second-rate worker, and as a bearer of children and companion.

4. Kibbutz social values are not inherited but acquired. Many young people born on a kibbutz want a period of self realization, which involves leaving the kibbutz for some time, and may take several forms (army, travel, university, etc.). Many young people return with a mature commitment to kibbutz values.

5. There is the problem of the outstanding kibbutz youngster whose talent may be stifled by a self-contained community. Another problem is how to attract original minds from outside, including the new Russian immigrants and the large Oriental population which has never been absorbed into a kibbutz.

6. There is a growing awareness of the "other Israel'" that is, the widening social gap between Jew and Arab, Ashkenazi and Oriental Jew.

There is the question also of poor work-ethic and of a deteriorating morality, in the public





and private sectors. All this has led to a greater radicalization of young people in the kibbutz. Yet their puritan, socialist ethic renders them insensitive to the achievements, and possible threat, of a semi-socialist, semi-capitalist majority.

There is no question that the kibbutz as a social and economical institution is here to stay. The question is: how it will change.
One thing is clear, however, a more pragmatic attitude is necessary to bring the kibbutz back to the past course which led it to incredible accomplishments. The kibbutz may have failed in molding the State of Israel in its image, but it has given Israelis and Jews everywhere an example of democracy and true social justice. Moreover, the kibbutz may not have stemmed the inflationary spiral or bridge the chasm between "haves" and " have nots," but it has forced both government and citizen to recognize the true nature of this estrangement. A.D. Gordon, major ideologue and mystic of socialist Zionism, elucidated this point:

Whatever man creates for the sake of life is culture: ploughing the earth, the building of homes and other structures, the paving of roads, etc. Each piece of work, each deed, each act is an element of culture. Herein is the foundation of culture, the stuff of which is made. Arrangement, method, shape, the way in which a thing is done — these are forms of culture. What a man does, what he feels, thinks, lives, while he is at work and while he is not working, the conditions arising

OPEN LETTER TO AN INTELLIGENT YOUNG LADY

After my presentation at Nessah Israel meeting, I received many calls and letters. Some were to express their kindness to me, saying how much they enjoyed the program, and some wanted to ask specific questions. One of the questions raised, I think, was such that many of my friends may be able to relate to it, therefore, I thought to print it for everyone who may have the same or similar question.
This young lady asks:

My parents and relatives are putting pressure on me to say "yes" to one of the young men who call on me, and get married. The words and the tone of voice they use make me feel like I am some kind of a freak for not being married yet. (I am only 20 years old.) I have many plans, my teachers all through high school predicted that I will be great in college. I am already a sophomore and hold a 3.8 GPA. I would like to pursue my education. Besides, most of these "khastegars" are "dorks" and do not appeal to me. Also, I already have a boyfriend that I see without my parents' knowledge. He is a great guy. We plan to get married as soon as my education is finished, but I know if I tell my parents about this guy, they will hit the roof. Help me.
Your Friend always.

This is my answer:

My dear friend:

I would like to talk about your "great guy." The difference between a guest and a burglar is that the burglar does not come in through the door and with the host's knowledge. If your great guy was really great and on the level he did not need to hide his love for you, especially from the two people (father and mother) who love you the most. A young man who tells you not to tell your parents about the relationship very probably has something to hide. What is it that this great guy needs to hide? Why can't he be one of your many "khastegars" and date you without hiding it?

Saying "yes" to one of these young men, does not necessarily mean you have to quit school. You may be engaged for a while until you get your degree. It is possible that the reason none of these young men appeal to you is because of your fantasies about your great guy. Otherwise, I am sure you can find someone among your many "khastegars" who is worthwhile. Most importantly, marry because you want to; not because of pressure. Wishing you luck. MK

Mr. Karubian is a licensed Marriage and Family counselor with a private practice in Beverly Hills and San Fernando Valley. He can be reached at (818) 981-2870

My Hebrew Geneology

by David D-R

This letter is response to the article printed in February issue " A Journey Through Jewish Identity" by Ramin Javaherian.

I had an early morning class today. Usually, I would have fallen asleep in my morning class, but today I didn't. There was something that hung heavy in my head, something that left me quite discombobulated. I am talking about Ramin Javaherian's article entitled " A Journey Through Jewish Identity." Having read Javaherian's article, I began to ask myself a question: Is Judaism a religion or is it a race?

I began my inquiry by getting the terms straight. My dictionary defines Judaism as " the religion of the Jews." Well, at first Judaism may seem merely a religion if one dwells on the first part of the definition, "the religion" But the definition does not end there. It is the religion "of the Jews." This begs another question: What is a Jew? The same source provides primary and secondary definitions: " 1. A person descended from the Ancient Hebrews; 2. A person whose religion is Judaism. For the purpose of my inquiry, I have sought definitions of two more terms relating to the concept of Judaism: Hebrew:" an Israelite, or a member of a related Semitic group"; Israelite:" a member of the 12 tribes of Israel, descended from Abraham, Issac, and Jacob; a Hebrew."

Comparing the three terms (i.e. Jew, Hebrew, Israelite) I found that Hebrew and Israelite are synonymous with the primary definition of Jew. Moreover, looking closer I found that the word "descended" has been used twice in the definitions. Then it follows that there is a family tree implied here, which I prefer to call a geneology rather than a "race" (as the latter carries an ideological stigma in our society).

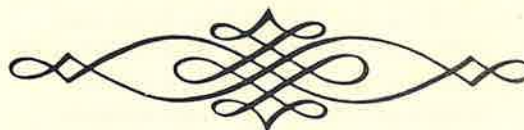
Now I ask myself: how could there be Ethiopian and Chinese Jews? Well, the Torah answers half of my question. If we can establish the respective marriages of Moses and King Solomon to Ethiopians as facts, then it is not unreasonable to imagine that other Hebrews also married Ethiopians. What about Chinese Jews? Again, it can be shown that even a group of Hebrews settled in China, those Mongoloids who converted to Judaism married into Hebrew community.

What about those who simply convert to the religion of Judaism? They too are to be considered as Jews if we follow the secondary definition of Jew. However, their genealogy lacks Hebrew or Israelite ancestry. Furthermore, if these people marry Hebrews, then their children will be not only Jews but also Hebrews and Israelite because they posses a 50% claim to the Hebrew ancestry. To me this makes perfect sense. Rabbi Akiva was a Hebrew by definition.

Conversions to the Jewish faith have undoubtedly taken place in the past. I do not profess to know how uncommon this was. What I do know is that Hebrew culture has been maintained well over 4,000 years by the people - even when there was no fixed geographical territory for Jews before 1948.

And a Hebrew, I do not pretend to deny that there are certain physical features attributed to Hebrews. I am confident in my ability to distinguish a Hebrew from a gentile most of the time. This distinction, although it does not constitute a different "race", seems to impart a sense of separate community within the Semite community. By the same token, I think I can distinguish a Korean from Japanese, even though they are not entirely of separate genealogical roots.

Albert Einstein once pointed out the difficulty in defining Jews as simply those who possess Jewish faith by asking the following question:" What is a snail?" A snail is a creature that inhabits a shell. This shell, however, is only one of the physical characteristics of the snail, just as Judaism is but one of the cultural attributes of the Jewish community. Einstein went on to say that a snail can and does shed its shell, but - alas- it still remains a snail. A Jew who abandons his faith remains a Jew.



"We Must Tell The Tale"

I fought to preserve my freedom
and independence.
Now is the time to stand up
Now is the time to be proud of *"my"*
identity.
Now is *not* the time to desert" my"
past generations.
Now is the time to be Jewish again.

In my struggles I shall endure,
In my struggle I will endure.

Pooya Dayanim is an award-winning journalist. He is a staff writer for Javanan Weekly Magazine circulated worldwide. He is also a contributing writer to CHASHM ANDAAZ.

"We Must Tell The Tale"

by Pooya Dayanim

Recently a number of Jewish-Iranian students voiced their concerns to me in regards to an article published in the newsletter of the United Iranian Association of California State University, Northridge. The newsletter is dated March 29, 1993. The article which raised this attention was "Religion Today", written by a Political Science Senior named Payam Kamshad. Mr. Kamshad apparently is the founder & president of UIA as well. Mr. Kamshad means well. He is greatly admired by Iranian Students and by general consensus he is considered a personable, likeable and an intelligent young man. I have to say I like this fellow myself.

Mr. Kamshad doesn't title his article as an "article", "opinion", "focus", "editorial" to let his readers know what they are reading. The title "Religion Today" is not only misspelled by Mr. Kamshad but is also very broad. But as one reads Mr. Kamshad's "very-opinion-ated" article it becomes clear that the article is not concerned with the state of religions. Today. It becomes clear that the Mr. Kamshad really wants to discuss the issue of intermarriage and interfaith relationship between students in specific, and the tensions between the students of each group in general. (I have reprinted Mr. Kamshad's piece entirely for everyone to read). As one can see, Mr. Kamshad doesn't talk about Armenian's, Zoroastrians, B'hais, atheists but only talks about Jews and Muslims. Apparently Mr. Kamshad is under the impression that there are only two "religions today," that of Islam and Judaism. Mr. Kamshad is apparently under the belief that there are only two groups of Iranians in this world: Iranian Muslims V. Iranian Jews. Thus, in his third paragraph, Payam Kamshad clearly shows who he is addressing in the article by writing" You as a Jew". I submit that this deliberate pointing out of Jews is a sign of his prejudice towards Jews although it might be subconscious.

I will not hide the motives behind my article. I am addressing Mr. Kamshad. Although Mr. Kamshad means well I will demonstrate that he is wrong and the thoughts expressed in his piece are wrong. Mr. Kamshad portrays himself as a man of the world, a Universalist, a modern day skeptic of religion, an enlighted human person to be (PC), a man with no prejudices who doesn't discriminate against anyone because of any reason. He is John Lennon. He wants a world where there are no countries and no religions too. He's also hypocritique. Although he believe in unity and oneness and believes, "... Religion of today has become a display of division amongst the people of the world, " on the one hand, he ignores the issues of nationalism as a dividing factor amongst people. This universal man in the same newsletter becomes a nationalist. He wraps the flag around himself. Mr. Kamshad, in the same newsletter, has a poem titled " I am Iranian". Apparently being a poet seems to be another one of Mr. Kamshad's many hidden talents. The man who doesn't want " ... A world where love has boundaries around it ..." writes:

... Now I find myself in a land foreign
 to my eyes and ears
I find myself at a fork in the road
 not knowing which path to follow;
Am I to remain Iranian?
Or am I forced to take the path that
heads me towards a new culture.
Am I to separate myself from my
 people,
or am I to keep them close to my
 heart.
But wait, I am Iranian
in my youthful days I struggled and
I fought to preserve my freedom
and independence
Now is the time
Now is the time to be proud of my
 identity.
Now is not the time to desert my
 Past generations.
Now is the time to be Iranian again.
In my struggles I shall endure.
In my struggles I will endure.

Suddenly Mr. Universalist becomes Mr. nationalist. It appears he does want to build a world where love does have boundaries around it. Mr. Kamshad, Mr. reason, Mr. rationality, becomes inconsistent in his writing. He becomes a hypocrite. Apparently he has problems with American culture and wants to preserve his "Iranianness." Mr. Kamshad used to have a Jewish Iranian girlfriend, He eloquently writes,"...I know a descendant of Moses, she has made me what I am today and for that I am forever indebted to her." He apparently believes it is wrong for Jews to want to preserve themselves by opposing intermarriage and interfaith relationships. Mr. Kamshad found the faith of his former girlfriend "irregular" and "irrational." Mr. Kamshad, what is regular? Who say what is regular? Is Islam regular?
More disturbing is the fact that he thinks Jews have a prejudice animosity towards Muslims. That this bitterness between Jews and Muslims is entrenched in our parents minds. He writes, "You as a Jew are taught to distrust and be aware of me as a Muslim just as the reverse is true with me." Mr. Kamshad the Jews of Iran do not have a prejudiced animosity towards Muslims. We have no

destruction in order to lament and learn from it.

Today on 'erev Passover many read Holocaust selections during the recitation of the "Pour Out Thy Wrath" paragraph accompanying the Cup of Elijah. But reference to Shoah here does not dominate the Passover tiding of freedom and birth. Rather they are part of liturgical message invoking the Judge of all the earth to deal justly with the murderers, and on another level, the nations of the world, who did nothing to condemn Nazism and do nothing to abolish the cry that Zionism is racism, as He continuously judges Israel. Only then, can the complete messiânic fulfillment of the future, a brotherhood of man under the fatherhood of God and inspired by the Torah way, be realized swiftly in our days.

On this point, we should note that the anthem of many Jews as they were led to extermination was the 12th article of the Maimonidean Creed ("I firmly believe in the coming of the messiah, and although he may tarry, I daily wait his coming"). These helpless victims of Nazism sang of a better day for Humanity— a humanity that chose to be silent at the hour of their destruction. This is an authentic Jewish understanding of hope and *Heilsgeschichte*, conducted without politics, politeness, and paternalism. The message: The major traits of Hitlerism—isolation, vilification, expulsion, slavery, and extermination— are not the will of heaven but the act of every man, the bitter fruits of the freedom he has abused.

Shoah cannot cancel Passover because the latter is transformed by Sinai (providence),and the former is the leaven waste of cyanide (history).

On the 12th of April 1951, the Knesset arrested Heaven and Earth and declared *Nisan* 27 as the national holiday commemorating the Holocaust. The declaration recalls antecedents to the Nazi brutality done to Ashkenazi Jewry in European land; chooses biblical proof texts that narrate exile, plight, mercy, justice, return, redemption, and responsibility; maintains that in the month of *Nisan,* many communities were destroyed by the forebears of the Nazis, the Crusaders; and offers a fable emphasizing some useful truth:

A man and his son were walking along the path. The son tired and asked the father: "Father, where is the state?" The father replied: "Son, this should be your sign, if you see a cemetery close by, the state is near."

In our day, the catastrophic destruction of the Jewish people is the Holocaust ("cemetery"), which is forever linked to the rise of Israel ("state"). Indeed, Israel Independence Day is celebrated on *Iyar* 5, showing a connection between *Yom ha-Shoah* and *Yom ha-Atzmaut.*

Thus on April 12, 1952, the Knesset read first the declaration on *Yom ha-Atzmaut* followed by the declaration on *Yom ha-Shoah.* The order of the readings is important; it suggests that only a relentless commitment to life and hope (Zionist dream and hope) can withstand the pain and grief of remembering the *Shoah.* The reverse is unthinkable.

So we count the days from *Yom ha-Shoah* to *Yom ha-Atzmaut* and we compute nine. Who knows nine? Nine, in the words of the Passover Haggadah, "are the month of pregnancy." Pregnancy means life and life is ushered in by covenant. And in the covenant of Abraham, Jews recite this prophetic utterance:

And I pass by thee (Jerusalem) and
I (God) saw thee wallowing in thy blood,
And I said unto thee
In thy blood live. Yea, I said unto thee,
In thy blood live.
(Ezekiel 16:6)

The cited verse is found in the Knesset statement on the *Shoah.*

At the Wannsee Conference in January 1942 the blueprint for the "Final Solution" was unveiled in 58 minutes. In less than 20 minutes on April 12, 1951, people, history, God, *Shoah*, and Zion were sealed in an eternal manifesto committing a post-Holocaust age to life, hope, and action.

On 6 *Nisan* 5711 (April 12, 1951), clouds gathered over Auschwitz, Poland, and in Jerusalem the Golden, the sun rose over Zion.

"In your blood, Israel, in your blood shall you live."

Dating The Shoah:

IN YOUR BLOOD SHALL YOU LIVE

by:Zev Garber

On April 12, 1951, the Knesset of Israel decreed *Nisan* 27 to be the official date for observing the Holocaust and Ghetto Revolt Remembrance Day (*Yom ha-Shoah u-Mered ha-Getaot*). The date is commemorated worldwide by all who wish to recall the Great Catastrophe, honor its victims and heroes, and pledge that the devastation caused by Nazis will never again be repeated.

The eminent Jewish philosopher and prisoner of Sachsenhausen concentration camp, Emil Fackenheim, has observed, "We cannot give meaning to Auschwitz with Jerusalem. Still less is it possible, however, to give meaning to the catastrophe without Jerusalem: Indeed, we cannot give meaning to Auschwitz at all." Yet the decision of the Knesset has insured the meaning of Auschwitz for eternity.

However, the choice of *Nisan* 27 as the date of record to recall the most significant event of the twentieth century disappointed religionists and secularists alike. To understand the "Day of Remembrance" decision is to disclose contemporary Jewish thinking on the *Shoah*: is it an act of providential design, history, or a combination of both?

Asarah b'Tevet is one of four fast days in the Jewish calendar which recalls the end of the first Jewish Commonwealth, signified by the destruction of the First Temple (*Churban*) and the Babylonian Exile of the Jewish People from Eretz Israel (586-539 B.C.E.).

To label destruction of European Jewry as a *Churban* is to link it with a past devastating event, but, in the words of Neo-Orthodox thinker, Rabbi Irving Greenberg, this does not come to grips with the awesome emotional, historical, and theological weight of the Holocaust; the Shoah as a category-shattering event. In addition, it can be said classical *Churban* catastrophe takes place within the Land of Israel; *Shoah* outside of the Land.

Tishah b'Av. This major fast day in midsummer is *the* day of reflection on catastrophes of Jewish History in *and* outside the Land of Israel; Destruction of the First and Second Temples, the expulsion of Jews from Spain in 1942, the Chmielnicki murder of Polish Jewry in 1648-49 (in addition, Sivan 20 is specifically set aside to remember these massacres), and all other major atrocities committed against Jews.

To remember *Shoah* on *Tisha b'Av* is to teach that the causes, reasons, and politics of genocide past have repeated themselves in the Nazi destruction of six million Jews, and to suggest that learning the proper responses to *Churban*, depicted in Jewish literature and *Halachah* (Jewish law), could have averted or diminished the evil decree unleashed on millions of innocents during World War II.

However, to observe *Shoah* on *Tisah b'Av* (day of *Jewish* tragedies) could make the event parochial and not universal—lest we forget, millions of others were murdered in Hitler's inferno. Also, if *Shoah* were recalled with other Jewish calamities, then the uniqueness of Hitler's war against the Jews would be dramatically diminished.

Never in history was a people so radically abandoned, dehumanized, and murdered. Emil Fackenheim puts it well:

.. to lump the Holocaust with all the others would be to act as if nothing new had happened in the history of horror when the attempt was made to "exterminate" the Jewish people, that is to murder saints as well as sinners, new born babies as well as adults, and no exception was made even for those already near the grave; and the attempt was successful beyond the wildest nightmares of anyone.

Furthermore, *Tisha b'Av* in the minds of many is of biblical origin and its observance is dictated by *Halachah*. Would the non-religious feel comfortable observing Shoah on a day guided by minutiae of rabbinic guidelines?

April 19. On this day in 1943, the liquidation of the Warsaw Ghetto began, and Mordechai Anielewicz led the Warsaw Ghetto revolt; the liquidation was completed on May 16. Secularists,

The item sparked complaints from readers and the paper subsequently published a response criticizing the original letter.

■ HATE MAIL
British police are investigating a third mailing of anti-Semitic material sent to residents of the Hertfordshire village of Schenley, where a housing development had been planned for Orthodox Jews.

The packages included a 40-page booklet containing medieval blood libels accusing Jews of the ritual murder of Gentile children, Holocaust denial stories, and allegations of sexual abuse by Jews.

■ CLOSING
The Berlin memorial to the 20th-century German Jewish novelist and playwright Arnold Zweig is being closed, because a former landlord is demanding the return of the house.

Zweig, a Jewish nationalist, left Germany for Haifa, Israel, during World War II, but returned to post-war Communist East Berlin in 1948 because of his political convictions. He died there in 1968.

EASTERN EUROPE

■ ZIONIST EDUCATION
Over 100 Jewish teachers from 112 towns throughout the former Soviet Union took part in 21 seminars of the Joint Authority for Jewish-Zionist Education in 1992.

The seminars are part of a project aimed at training leaders to work with Jewish students throughout the region.

■ MINSK MIKVEH
For the first time in sixty years a *mikveh* (Jewish ritual bath) has been opened in Minsk, in Belarus.

There are about 40,000 Jews in Minsk and about 100,000 in all of Belarus.

■ COMMEMORATIVE STAMP
In the first such venture, Israel and Poland are issuing a joint postage stamp to commemorate the 50th anniversary of the Warsaw Ghetto uprising in April.

Designed by Israeli artist Ruth Avrahami, the stamp shows a partisan fighter against a backdrop of ghetto rubble.

■ GRAND OPENING
A new kosher restaurant, owned by a Viennese Jew, is opening in Moscow.

Until now the kosher community kitchen in the city had not been under rabbinical supervision.

NORTH AMERICA

■ HONORS
Two Jewish professors at Montreal's McGill University, Theodore Sourkes and Ivan Barry Pless, have been named to the Order of Canada.

Professor Sourkes has played a major role in the development of a substance used to treat high blood pressure and has done research on treatment of Parkinson's disease. Professor Pless, director of Montreal Children's Hospital Injury Prevention Center, is regarded as one of the top experts in Canada on injuries to children.

■ SHABBAT SIGN
A special program at Temple Beth Torah in Fremont, California, is providing sign-language interpreters for the hearing-impaired at the Temple's Sunday school and at Friday night and holiday services.

The synagogue is located near the nationally known School for the Deaf.

ISRAEL

■ FIELD OF DREAMS
Israeli produce companies are beginning preparations for *sh'nat shmitah* the Jewish agricultural sabbatical year in Jewish religious tradition, during which farmers are required to let farmland lie fallow.

The companies plan to grow more vegetables than usual during the next few months and import substantial quantities of produce in order to supply observant Jews during the period which begins with the Jewish New Year in September.

■ WALKING ON WATER
Israel's Ministries of Tourism and Religious Affairs have approved a plan to build a three-mile boardwalk connecting Christian sites near the Sea of Galilee.

Funding for the boardwalk comes from Christian groups in Italy.

■ GLITTERING EXHIBITION
The Harry Oppenheimer Diamond Museum in Ramat Gan, Israel, is hosting an exhibition of Russian jewelry and gem treasures, many of which are being seen for the first time beyond the borders of the former Soviet Union.

The exhibit, expected to draw 100,000 visitors from Israel and abroad, features a selection of diamonds from Russian mines, including the 2,230 carat Alexandrite stone, recognized as the second largest in the world.

■ SALES UP
Trade between Britain and Israel increased by 9% in 1992 to $1.45 million.

Israel's strong showing was due mainly to sales of chemicals, textiles, and telecommunications equipment and other high-tech products.

گروه
جوانان تحصیلکرده و شاغل سیامک
تقدیم می‌کند

YOUNG PROFESSIONALS COMMITTEE PRESENTS

شب فراموش ناشدنی



باشرکت هنرمندان کورس و گروه ۹ نفره «نسل من»
سوزان روشن و شراره

شنبه ۲۶ جون

برای آگاهی های بیشتر با دفتر سازمان سیامک گفت و گو کنید
(۸۱۸)۵۰۳-۱۲۷۰